

Physical Development Planning

Inefficiency of Rural Management and Uneven Physical Development in the Vicinity of Tehran Metropolis (Case Study: Rural Settlements of Rey County)

Siavash Ataei ¹, Asghar Norouzi ², Mostafa Taleshi ³

1. PhD student in Geography and Rural Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Geography and Rural Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3. Professor, Department of Geography and Rural Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran.

*Correspondence

Asghar Norouzi

Email: a.norouzi@pnu.ac.ir

Received: 12/Sep/2025

Accepted: 28/Oct//2025

ABSTRACT

The present research aims to analyze the factors affecting the inefficiency of rural management and its role in the unbalanced physical development in the vicinity of Tehran metropolis within the rural settlements of Rey County. This research is applied in terms of objective and mixed (hybrid) in terms of methodology. The statistical population of the study was the rural settlements of Rey County, and a sequential mixed sampling method (probability and purposive) was used to determine the sample size. Data collection tools included questionnaires and interviews. Furthermore, the collected data were analyzed using factor analysis and qualitative content analysis. The research results indicated, firstly, that the rural management system, as a complex and multidimensional process, has led to the formation of an inefficient rural management system through aspects such as policy pressures and gaps, different intellectual foundations, the inability to control land speculation, lack of inter-sectoral coordination between urban and rural institutions, and weakness in supervising and enforcing regulations in the villages surrounding metropolises. On the other hand, the rural management system, in the form of factors such as policy-planning divergence (with a coefficient of 0.772), territorial-mission divergence (with a coefficient of 0.740), and the inefficiency of laws and directives (with a coefficient of 0.745), has caused this inefficiency and subsequently brought about unbalanced physical development in the vicinity of Tehran metropolis.

KEYWORDS

Inefficiency, Rural Management, Uneven Physical Development, Tehran Metropolis Vicinity, Rey.

How to cite

Ataei, S.; Norouzi, A; Taleshi, M. (2025). Inefficiency of Rural Management and Uneven Physical Development in the Vicinity of Tehran Metropolis (Case Study: Rural Settlements of Rey County). *Physical Development Planning*, 10 (4), 40, 111-133. <https://doi.org/10.30473/psp.2025.75783.2785>



Copyright © 2025 The Authors. Published by Payame Noor University.

This work is licensed under a Creative

Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided

the original work is properly cited

برنامه‌ریزی توسعه کالبدی

«مقاله پژوهشی»

ناکارآمدی مدیریت روستایی و توسعه کالبدی نامتوازن در پیرامون کلانشهر تهران (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ری)

سیاوش عطائی^۱، اصغر نوروزی^۲، مصطفی طالشی^۳

چکیده

پژوهش حاضر باهدف تحلیل عوامل مؤثر بر ناکارآمدی مدیریت روستایی و نقش آن بر توسعه کالبدی نامتوازن در پیرامون کلانشهر تهران در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ری انجام شده است. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش پژوهش ترکیبی است. جامعه آماری، سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ری بوده و برای تعیین حجم نمونه از نمونه‌گیری ترکیبی متوالی (احتمالی و هدفمند) استفاده شده و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و مصاحبه بوده است. همچنین داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از تحلیل عاملی و تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که نظام مدیریت روستایی به‌عنوان فرایندی پیچیده و چندبعدی در قالب‌هایی چون فشارها و شکاف‌های سیاستی، پایه‌های فکری متفاوت، ناتوانی در کنترل سوداگری زمین، عدم هماهنگی بین‌بخشی میان نهادهای شهری و روستایی، ضعف در نظارت و اجرای قوانین در روستاهای پیرامون کلانشهرها منجر به شکل‌گیری یک سیستم ناکارآمد مدیریت روستایی شده است. از سوی دیگر نظام مدیریت روستایی در قالب عواملی همچون تفرق برنامه‌ریزی - سیاستی (با ضریب ۰/۷۷۲)، تفرق قلمرویی - مأموریتی (با ضریب ۰/۷۴۰) و ناکارآمدی قوانین و دستورالعمل‌ها (با ضریب ۰/۷۴۵) موجب ناکارآمدی آن و سپس توسعه کالبدی نامتوازنی را در پیرامون کلانشهر تهران به وجود آورده است.

واژه‌های کلیدی

ناکارآمدی، مدیریت روستایی، توسعه کالبدی نامتوازن، پیرامون کلانشهر تهران، ری.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
۳. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: اصغر نوروزی

رایانامه: a.norouzi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱

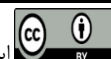
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶

استناد به این مقاله:

عطائی، سیاوش؛ نوروزی، اصغر؛ طالشی، مصطفی (۱۴۰۴). ناکارآمدی مدیریت روستایی و توسعه کالبدی نامتوازن در پیرامون کلانشهر تهران (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ری). فصلنامه علمی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۱۰ (۴)، ۴۰-۱۱۱-۱۳۳. <https://doi.org/10.30473/psp.2025.75783.2785>

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. ۱۴۰۳ ©. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام‌نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

This is an open access article under the CC BY (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).<https://psp.journals.pnu.ac.ir>

مقدمه

وضعیت همواره در حال تحول جهانی‌شدن، صنعتی‌سازی و شهرنشینی، کاهش تدریجی جمعیت‌های روستایی در سراسر جهان را تحریک کرده است (Wang et al, 2025: 1)؛ به طوری که منابع و نیروی کار روستایی قابل توجهی در شهرها و نواحی پیرامون شهری متمرکز شده‌اند (Connor et al, 2023). بر طبق آخرین گزارش‌های سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۲۴ حدود ۵۵ درصد از جمعیت جهان در فضاهای شهری زندگی می‌کردند. پیش‌بینی می‌شود این نسبت تا سال ۲۰۵۰ به ۶۸ درصد افزایش پیدا کند (https://www.un.org). این روند نشان‌دهنده افزایش مستمر مهاجرت به شهرها و رشد سریع فضاهای شهری است (Vandecasteele et al, 2019:3). رشد سریع فضاهای شهری و پیرامون شهری که به دنبال پدیده مهاجرت رخ می‌دهد، ضمن افزایش نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و دست‌اندازی به اراضی روستاهای پیرامون (شاهی‌دشت و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۲ و Araya and Cabral, 2010: 1549)، منجر به ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه در ساختار فضایی پیرامون کلان‌شهرها و در نتیجه تغییر در سطح زمین و تبدیل عوارض طبیعی به ساختار شهری و انسان‌ساخت شده است (زندگی و همکاران، ۱۴۰۴: ۳۱). از این رو، یکی از نتایج شهرنشینی سریع که خود از پیامدهای انقلاب صنعتی است، رشد کالبدی نامتوازن (اسدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۳) در نواحی روستایی پیرامون کلان‌شهرها بوده و از دلایل مهم این واقعه، عدم برنامه‌ریزی صحیح و نظام مدیریت نامناسب روستایی در نواحی پیرامون است.

مدیریت روستایی به‌عنوان فرایندی چندبعدی، مستلزم هماهنگی بین بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و نهادی است تا بتواند شرایط توسعه متوازن را فراهم آورد، اما در عمل فقدان جایگاه واقعی و اجرایی مدیریت روستایی در نظام تقسیمات سیاسی کشور به‌عنوان مبنای مدیریت سرزمین (پریشان و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۹)، ضعف در ساختارهای مدیریتی، فقدان سیاست‌های هماهنگ و یکپارچه، موجب بروز ناکارآمدی در نظام مدیریت روستایی شده است. مدیریت ناکارآمد روستایی و نبود برنامه‌ریزی منسجم در قالب توسعه کالبدی نامتوازن و ناپایدار

تلور یافته و بسترساز تخریب فضای روستایی، بروز مشکلات زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و... شده است. نگاهی به تحولات مدیریت روستایی ایران از گذشته تا کنون، به‌ویژه بعد از جریان اصلاحات ارضی دهه چهل (حاج‌علیزاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۶)، نشان می‌دهد که مدیریت روستایی با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده و به لحاظ ساختارهای تصمیم‌گیری - اداری، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته است و خلأ مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی ادوار، به‌خصوص در دهه‌های اخیر مسائل فراوانی را برای روستاها و روستاییان ایجاد کرده است. از یک سو، باتوجه‌به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی، ساختار سنتی مدیریت در نواحی روستایی قادر به حل‌وفصل مشکلات این جامعه مولد نبوده و از دیگر سو، ساختار جدید مدیریت روستایی که مبتنی بر مشارکت مردم در امور و برنامه‌ریزی از پایین به بالاست، به دلایل متعدد از جمله غیربومی بودن و ریشه در بطن جامعه ایرانی نداشتن (مختاری کرچگانی، ۱۴۰۳) نتوانسته بر کاستی‌های روستایی فائق آمده و جایگاه خود را پیدا کند.

از نگاهی دیگر، امروزه مشکلاتی مانند توزیع نابرابر زیرساخت‌ها و خدمات عمومی، سیاست‌های روستایی موجود بر رویکرد «یک نسخه برای همه» (Wang et al, 2025: 10)، رویکرد از «بالا به پایین»، «تفرق قلمرویی»، «تفرق سیاستی - حکومتی»، «ساختار مدیریتی برخاسته از تفکرات فن‌محور و بخشی»، «تعاملات ناهماهنگ ساختاری و کارکردی»، «تفرق عملکردی»، «ناهماهنگی‌های سازمانی در جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در روستاها»، «تعدد نهادهای متولی امور روستاها»، «موازی‌کاری دستگاه‌های خدمات‌رسان»، «همپوشانی و تداخل وظایف»، «به‌هنگام نبودن قوانین و مقررات»، «نبود قوانین ویژه برای اداره کلان‌شهرها»، «فقدان قوانین حمایتی از روستاها و روستاهای پیرامونی»، «مشخص نبودن تعریف و تفکیک وظایف ملی از محلی»، «عدم شفافیت»، «فربه شدن دولت و کم‌توجهی به رفع مسائل مدیریتی روستاها»، «افزایش مسائل حاد اجتماعی در روستاها»، «ضعف تشریک‌مساعی و سطح پایین مشارکت مردمی در اداره

جایی که مدیریت محلی در مواجهه با مطالبات زیرساختی کلان‌شهری (مانند پروژه‌های حمل‌ونقل، تصفیه‌خانه‌ها یا مناطق آزاد صنعتی که مستقیماً توسط نهادهای شهری تهران یا استان تهران مصوب می‌شوند) فاقد هرگونه قدرت اجرایی یا چانه‌زنی مؤثر هستند. ناکارآمدی نظام مدیریت روستایی در شهرستان ری، به‌عنوان بستر اصلی ناپایداری، موجب شکاف عمیق و گسست عملکردی بین «مدیریت برنامه‌ریزی شده شهری» و «مدیریت تدافعی روستایی» شده است. این شکاف، زمینه‌ساز بروز پیامد محوری یعنی توسعه کالبدی نامتوازن در نواحی پیرامونی است که منجر به تضعیف کارکردهای اصلی روستاها شده است. به‌صورت مصداقی، محورهای توسعه‌ای بخش مرکزی ری، خاوران و کهریزک شاهد تغییر کاربری کشاورزی به کاربری‌های غیرمولد و صنعتی، و توسعه کالبدی عمودی و نامتوازن به‌صورت غالب و بدون طرح‌ریزی جامع است؛ همچنین در اطراف کهریزک، این ناکارآمدی به تراکم بیش از حد و توسعه کالبدی عمودی و نامنظم شهری‌نما بر اراضی روستایی منجر شده است که همگی پیامدهای مستقیم مدیریت ناکارآمد هستند. در این راستا، باتوجه‌به ناپایداری مدیریت روستایی ناحیه ری و توسعه کالبدی نامتوازن به‌صورت سازمان‌نیافته، پژوهش حاضر بر آن است تا باهدف شناسایی نیروهای تأثیرگذار بر ناکارآمدی مدیریت روستایی و شکل‌گیری توسعه کالبدی نامتوازن، به پرسش زیر پاسخ دهد. عوامل و نیروهای تأثیرگذار بر ناکارآمدی نظام مدیریت روستایی کدام‌اند و زمینه‌ساز بروز چه پیامدهایی شده‌اند؟

در ادامه مروری بر ادبیات تحقیق ضروری است. پیکره فیزیکی یا «کالبد روستا» از ترکیب دو دسته عامل بنیادین شکل می‌گیرد: عناصر طبیعی و عناصر انسان‌ساخت. عناصر طبیعی شامل کلیه پدیده‌های زاییده طبیعت هستند، نظیر ناهمواری‌های زمین‌شناسی (کوه و دشت)، منابع آبی (رودخانه و دریا) و پوشش‌های زیستی (جنگل‌ها). در مقابل، عناصر انسان‌ساخت شامل تمام سازه‌ها و زیرساخت‌هایی هستند که به دست انسان و برای تأمین نیازهای سکونت و اجتماعی ایجاد شده‌اند؛ از جمله ساختمان‌های مسکونی، شبکه‌های ارتباطی (راه‌ها) و فضاهای جمعی و خدماتی (بازارها و مراکز مذهبی). این

امور روستاها»، «تحرک مکانی جمعیت»، «فقدان منابع درآمدی پایدار» و از همه مهم‌تر «عدم یکپارچگی مدیریت روستایی و ضعف در مدیریت روستایی» (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰؛ حسنوند و حسنوند، ۱۳۹۰؛ فریحی، ۱۳۹۱؛ برقی و همکاران، ۱۳۹۳؛ رهبری، ۱۳۹۸؛ ریاحی و همکاران، ۱۳۹۹؛ افشاری‌پور، ۱۳۹۹؛ حاج عزیزاده، ۱۴۰۱؛ شاهی‌دشت و همکاران، ۱۴۰۱؛ قاسمی، ۱۴۰۴) از مهم‌ترین چالش‌های مدیریت روستایی هستند که موجب شکل‌گیری مسائل فراوانی در فراگرد مدیریت روستاها به‌ویژه در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها بوده و بسترهای ناکارآمدی را فراهم کرده است. این ساختار متشتت، به شکلی حادث‌تر در نواحی پیراشهری نمود پیدا می‌کند؛ مناطقی که در تقاطع دینامیک‌های اقتصادی - اجتماعی - شهر مرکزی و ساختارهای کالبدی - اجتماعی روستا قرار دارند. در این اکوسیستم پیچیده، فشار تقاضای شهری برای کاربری‌های جدید، ارزش زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی روستا را به شکلی تصاعدی افزایش می‌دهد. این امر نه‌تنها هدف اصلی توسعه متوازن روستایی (حفظ هویت و پایداری تولید) را تهدید می‌کند، بلکه ساختار مدیریتی را نیز در معرض تعارضات بین‌بخشی و سطوح مختلف مدیریتی (شهرداری، دهیاری، بخشداری و ساختارهای فرادستی مدیریت و توسعه شهری و روستایی) قرار می‌دهد. نتیجه این تعارضات، شکل‌گیری یک توسعه کالبدی نامتوازن و غالباً شهری‌نما در پهنه روستایی است؛ جایی که الحاق غیررسمی یا نیمه‌رسمی کاربری‌های شهری (مانند ویلاسازی یا شهرک‌سازی‌های پراکنده) بدون تأمین زیرساخت‌های پایدار، هویت فضایی روستا را مخدوش و ظرفیت نهادی آن را برای مقاومت در برابر فشارهای کلان‌شهری به‌شدت تضعیف می‌کند و بقای فرهنگی و اقتصادی نواحی روستایی در معرض یک فرایند اجباری سکونت‌زدایی ساختاری قرار می‌گیرد.

این ضعف مدیریتی، به طور عینی در وضعیت سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ری، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین نواحی پیرامونی تهران، مشاهده می‌شود. شهرستان ری که دارای سابقه‌ای غنی در ساختار سکونتگاهی و کشاورزی است، امروز تحت هژمونی توسعه کالبدی تهران، تبدیل به یک معمای سرزمینی شده است؛

(برک‌پور، ۱۳۸۸: ۵۲). در مورد وظایف یا کارکرد مدیریت نظریات مختلفی وجود دارد. برخی مهم‌ترین وظایف مدیریت را چهار وظیفه برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، کنترل و نظارت می‌دانند. فایول^۱ علاوه بر چهار وظیفه یاد شده، وظیفه هماهنگی را نیز اضافه می‌کند؛ بنابراین مدیریت، فرایند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی، کنترل و نظارت فعالیت‌های اعضای سازمان و استفاده از همه منابع سازمانی برای دستیابی به هدف‌های سازمان است (دریان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۳۳). از این‌رو تعریف عملیاتی مدیریت باید دو معیار را جهت تحقق اهداف خود داشته باشد که یکی «کارایی» و دیگری «اثربخشی»^۲ است. کارایی معیار انجام درست کار است و ناظر بر کارآمد بودن است، اما مفید بودن کار در این مفهوم مهم بوده و مطرح نیست. پس شرط لازم جهت انجام کار با کارایی تحقق خواهد یافت در حالی که کافی نیست و شرط دیگری (لازم) را طلب می‌کند. اثربخشی معیار کار درست است و ناظر بر مفید بودن کار است؛ بنابراین تکمیل‌کننده چرخه مدیریت و شرط لازم جهت تحقق آن اثربخشی است که در صورت عدم وجود آن، چه‌بسا کار نادرستی (عدم اثربخشی) به‌درستی (کارایی) صورت پذیرد و تبعات جبران‌ناپذیری را به وجود آورد که نه‌تنها توسعه‌ای را برای سیستم به ارمغان نمی‌آورد؛ بلکه شرایط عقب‌ماندگی را برای سیستم فراهم کرده و ترمز آن نیز محسوب می‌شود (شبستر، ۱۳۹۶: ۲۰). امروزه این امر در روستاها به طور عینی قابل مشهود است. روستاها به منزله واقعیت‌های مکانی - فضایی خاص متشکل از ساختارها و کارکردهای متنوع (Upadhyay & Kumbharana, 2012: 215) و با شیوه زندگی و فعالیت‌هایی متفاوت نسبت به شهرها هستند که نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط محیطی و اجتماعی - اقتصادی حاکم بر آن‌ها هستند؛ بنابراین مدیریت یک روستا به‌عنوان تلاش برای اداره پدیده‌ای پیچیده، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است که در اکثر نظام‌های مدیریتی وجود دارد.

با توجه به تعریف مدیریت به‌صورت عام، می‌توان مدیریت روستایی را علم تلفیق و تنظیم عوامل و نیروهای

تعامل دوگانه و چیدمان فضایی این دو دسته عنصر در کنار یکدیگر، هویت و شکل نهایی ساختار کالبدی - فیزیکی روستا را پدید می‌آورد (لحمیان و نبی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۲۲). از منظر ریخت‌شناسی سکونتگاهی، کالبد فراتر از یک ساختار صرفاً فیزیکی است؛ پیکره روستا نه‌تنها یک مجموعه فیزیکی، بلکه محصولی از فرآیندهای پیچیده تاریخی و جغرافیایی است که بر بستر تعامل بین موقعیت و شرایط شکل گرفته و سازمان فضایی - کالبدی آن (روستا) نیز تمامی عوامل طبیعی و انسان ساخت را در بر می‌گیرد که به طور ظاهری قابل دیدن (ساختمان‌ها، معابر و...) و به‌طور بطنی قابل لمس است. عوامل بطنی، به‌ویژه در حوزه مدیریت، نقش حیاتی ایفا می‌کنند؛ از جمله این عوامل، می‌توان به رضایت یا عدم رضایت جامعه روستایی از عملکرد مدیریتی اشاره کرد که به‌طور مستقیم بر پایداری یا ناپایداری ابعاد توسعه روستایی (اقتصادی، اجتماعی، نهادی-سیاسی، زیست‌محیطی و کالبدی) و نظام مدیریت تأثیرگذار است. در شرایط سوءمدیریت یا عدم کارایی صحیح، مسائلی چون تغییر کاربری نامتوازن اراضی، از دست رفتن زمین‌های کشاورزی مرغوب، آلودگی‌های محیطی و بصری، و برهم خوردن توازن اکولوژیک، بستری برای توسعه کالبدی نامتوازن و تضعیف کلی زیست‌پذیری روستا فراهم می‌آورد.

این عدم مدیریت صحیح و کارا که ریشه بسیاری از مشکلات توسعه کالبدی نامتوازن است، خود از ابهامات و پیچیدگی‌های مفهومی مدیریت نشأت می‌گیرد؛ به‌طوری‌که می‌توان ادعا کرد به تعداد مؤلفان و نویسندگان کتاب‌های این حوزه، تعاریف متفاوتی برای «مدیریت» وجود دارد. از این‌رو، تعریف مدیریت عموماً با ابهام و اغتشاش درآمیخته است و به‌عنوان رشته‌ای مجزا و متفاوت پس از انقلاب صنعتی به وجود آمد. دامنه، نقش و تئوری‌های اساسی آن در طی سالیان تغییر کرده است؛ اما مقصود آن، یعنی حصول اطمینان از دستیابی به هدف‌های مؤسسه یا سازمان و به حداکثر رساندن بهره‌وری و کارایی، همچنان باقی‌مانده است. همچنین یکی از تعاریف موردقبول مدیریت، مربوط به انجمن مدیریت امریکا است: مدیریت عبارت از کارکردن با دیگران و از طریق دیگران برای رسیدن به هدف‌های سازمان و کارکنان است

¹ Fayol

² Effectiveness

روستاهای پیرامون شهری^۱، نواحی هستند که در «پیرامون، فراتر و بین»^۲ شهر قرار دارند (Ravetz and Sahana, 2025:01) که به عنوان جاذبه بیرونی مناطق شهری تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، روستاهایی هستند که در برخوردگاه شهر و روستا^۳ قرار گرفته‌اند (شکل ۱). به دلیل نزدیکی مکانی و وابستگی فضایی _ کالبدی با شهر از امکانات و فرصت‌های متعددی برخوردار هستند که در سایر روستاها به چنین شدتی وجود ندارند. از جمله مهم‌ترین این فرصت‌ها عبارت‌اند از: بهره‌مندی از شبکه ارتباطی مناسب، استفاده از زیرساخت‌ها و خدمات شهری و فرصت‌های شغلی در بخش خدمات. در برخی از منابع این روستاها به عنوان حومه شهرها شناخته می‌شوند و گروهی از این روستاها، کارکرد خوابگاهی یافته‌اند (McGregor et al, 2006:6).

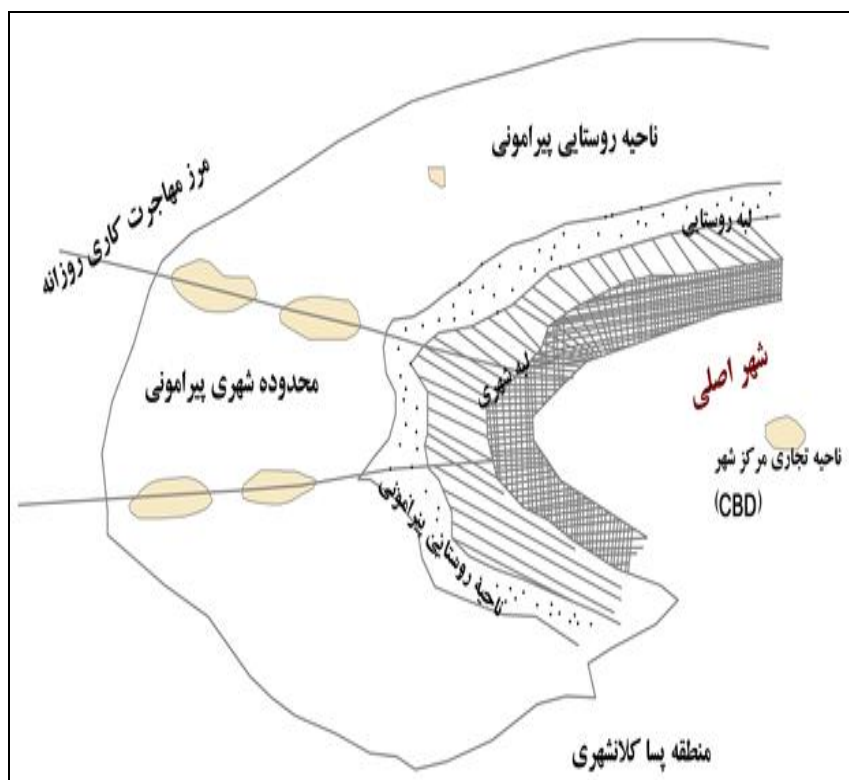
مختلف نظام محیطی و نظام اجتماعی - اقتصادی و کالبدی در سازمان فضایی روستایی دانست. به عبارت دیگر، مدیریت روستایی مجموعه‌ای از فرایندها و سازوکارهای رسمی و غیررسمی با حضور بازیگران محلی و ملی برای اداره امور محلی روستا و روستاییان در جهت بهبود شاخص‌های زندگی روستاییان است، به طوری که فرایند توسعه پایدار روستایی را به نحوی تقویت کند که در سطح متعارف جامعه، زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت‌تر و کارآمد روستاییان به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم شود (رهبری، ۱۳۹۸: ۳۲). در این ارتباط، مدیریت در مناطق روستایی می‌تواند به صورت متمرکز و حکومت‌محور و یا مبتنی بر جامعه محلی (اجتماع‌محور) و به صورت نامتمرکز باشد (Furmankiewicz & Walsh, 2016: 15).

در دیدگاه سنتی، مدیریت که به صورت متمرکز اعمال می‌شد، مردم و جوامع محلی با این دید که آن‌ها توانایی تغییر خود، دیگران و جامعه را ندارند، دیده می‌شدند؛ در صورتی که در دیدگاه نوین مدیریت، مبتنی بر رویکرد تمرکززدایی، علاوه بر مدیران، مردم نیز به لحاظ دارا بودن توانمندی‌های لازم همچون قدرت فردی، جایگاه اجتماعی و اقتصادی‌شان می‌توانند در تغییر خود، دیگران و جامعه مؤثر باشند (Jonsson, 2017, 59). از این رو در حال حاضر، مدیریت سکونتگاه‌های روستایی مبتنی بر رویکرد تعاملی، مشارکتی و از پایین‌به‌بالا نبوده و روستاها بر اساس دیدگاه سنتی مدیریت می‌شوند و مردم نقشی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی ندارند. این در حالی است که روستا به عنوان یک نظام فضایی که متشکل از عرصه‌های ساختاری و کارکردی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، اکولوژیکی و ... است، نیازمند به یک سیستم مدیریتی است که بر پیوستگی نظام‌وار و یکپارچگی ساختارها و کارکردهای فضایی در عرصه‌های روستایی تأکید ورزد و به نوعی موجب هم‌افزایی بیشتر حوزه‌های مداخله در عرصه مدیریتی در سکونتگاه‌های روستایی (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴)، به‌ویژه روستاهای پیرامون شهری شود.

^۱ Peri Urban Villages

^۲ عبارت پیرامون، فراتر و بین (Around, Beyond, and Between) به ویژگی‌های فضایی نواحی پیراشهری اشاره دارد "Around" به نزدیکی این مناطق به مراکز شهری اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که این نواحی در پیرامون شهرها قرار دارند که تأثیرات شهری در آن‌ها قوی است "Beyond" به این معناست که این مناطق فراتر از محیط شهری نزدیک گسترش می‌یابند و معمولاً شامل عناصر و مناظر روستایی می‌شوند. در نهایت، "between" به ماهیت گذار نواحی پیراشهری اشاره دارد که در فضای بین نواحی شهری و روستایی وجود دارند و تأثیرات هر دو را در خود جای می‌دهند (Ravetz and Sahana, 2025).

^۳ Beri Urban Interface



شکل ۱. محدوده پیراشهری. منبع: برک پور و همکاران، ۱۳۸۹ (به نقل از Buxton et al, 2008: 26)

دلیل ناکافی بودن ویژگی‌های شهر نظیر زیر ساخت‌های شهری، پدیدار می‌شوند. به عبارت دیگر، پدیده پیراشهری حاصل پیشروی شهرها به سوی محیط پیرامون موجود است که در آن روستاهای نواحی پیراشهری به تدریج ویژگی‌های شهری به خود می‌گیرد (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶۶). در جدول ۱ گونه‌شناسی نواحی پیراشهری نشان داده شده است.

باید اذعان داشت که پیراشهرها واجد شرایط خاصی هستند که آن‌ها را از نواحی شهری و روستایی متمایز می‌کند، از جمله شتاب گسترش کاربری‌های مسکونی و تجاری شهری و کاهش فعالیت‌های روستایی، رشد سریع ولی بدون برنامه با خدمات‌رسانی زیر ساختی ناکافی، ساکنانی با درآمد کم و متوسط و رشد بازارهای دادوستد. اما اینکه چرا نواحی پیراشهری ایجاد می‌گردند؟ باید گفت که معمولاً این مناطق در مجاورت فضاهای شهری و به

جدول ۱: گونه‌شناسی نواحی پیراشهری

نزدیک به مراکز شهری، منتج از توسعه شهری، متصل به نواحی شهری و شهرنشینی در مکان خودمی باشند. این نواحی در نواحی جذب کامل در شهر قرار می‌گیرند.	پیراشهر درجا (پیرامون شهری در موقعیت مناسب و جایگاه خود)
گروه ساکنان قدیمی با جانشین‌های جدید جابه‌جا می‌شوند، حفظ آرایش‌های نهادی مرسوم یا سنتی ساکنان اولیه.	پیراشهر جذب شده
از نظر ساختار فیزیکی - کالبدی، ناحیه ری می‌تواند در این گروه‌بندی، در گونه پیراشهر درجا قرار گیرد که بر اثر گسترش کالبدی شهر تهران در شهر تهران جذب شده است. اما به لحاظ ابعاد جمعیتی - اجتماعی به عنوان یک پیراشهر پراکنده و دارای تنوع قومی و عقاید متنوع اجتماعی است.	

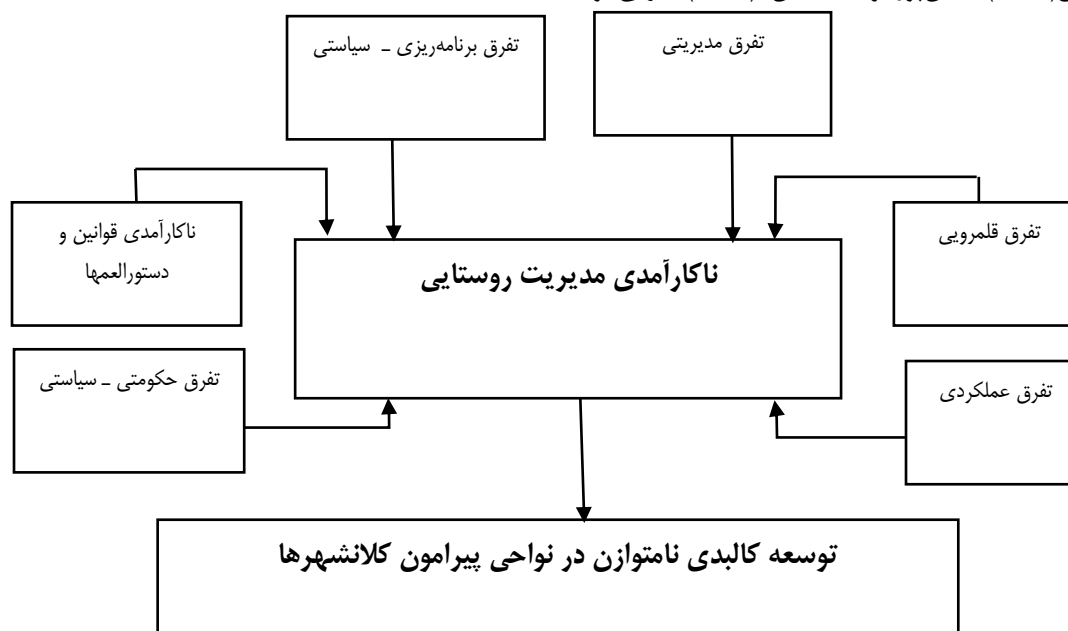
کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۷ و یافته‌های نگارنده، ۱۴۰۴

همکاران (۱۳۹۳)، کاظمیان و همکاران (۱۳۹۷)، شیخی و شبستر (۱۳۹۷)، رهبری (۱۳۹۸)، شفیع‌ثابت و همکاران (۱۳۹۹)، افشاری‌پور (۱۳۹۹)، لحمیان و نبی‌زاده، (۱۳۹۸)، حاج‌علیزاده (۱۴۰۱)، شاهی‌دشت و همکاران (۱۴۰۱) و قاسمی (۱۴۰۴) نمونه‌هایی از مواردی هستند که نارسایی‌های نظام مدیریت روستایی و توسعه کالبدی نامتوازن را مورد اشاره قرار می‌دهند.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که نظام مدیریت روستایی کنونی در نواحی پیراشهری ضمن برخورداری از چندپارگی در حوزه مدیریتی، عملکردی و ساختاری، تداخل قلمرویی و همپوشانی وظایف، ضعف نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، ضعف در مجموعه قوانین و مقررات، ضعف منابع مالی - اعتباری، نبود سازوکارهای واقعی مشارکت مردمی و ضعف در شناخت صحیح نیازهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی نواحی روستایی پیرامون، با فقدان مدیریت یکپارچه بین مدیریت شهری و روستایی مواجه است. مجموعه عوامل مذکور بسترساز ناکارآمدی مدیریت روستایی در نواحی پیرامون کلان‌شهرها شده است. در این راستا پژوهش حاضر نظام مدیریت روستایی را با محوریت روستاهای پیراشهری مورد مطالعه قرار داده است. چارچوب مفهومی پژوهش در شکل ۲ نشان داده شده است.

از چالش‌های مدیریت روستاهای واقع در پیرامون شهرها، فشارهای شدید بر منابع، تخریب زمین‌های کشاورزی، فقدان خدمات کافی، عدم تعریف دقیق حریم و نحوه مدیریت و برنامه‌ریزی این روستاها است. به بیانی دیگر، گسیختگی قانونی در فرایند مدیریت روستاهای پیرامون شهرها و چگونگی اختیار دخل و تصرف در این نواحی، مدیریت بسیار پراکنده و دستگاه‌های متعدد مدیریتی از قبیل بخش‌داری، شهرداری، مخابرات، اداره گاز، بنیاد مسکن و مانند آن فرایند مدیریت روستاهای پیراشهری را دچار مشکلات و چالش‌های متعددی کرده و باعث گسیختگی در فرایند مدیریت شده است (دربان آستانه و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۲).

روستاهای واقع در پیرامون کلان‌شهر تهران با مشکلاتی نظیر همپوشانی فعالیت شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و دیگر دستگاه‌های خدمات‌رسان، تأخیر در انجام امور روستایی، ساخت و سازهای بی‌رویه، نحوه مدیریت پسماند، عدم تعیین دقیق مکان دفع پسماند، از بین رفتن پوشش گیاهی طبیعی و تغییر کاربری اراضی و... روبه‌رو هستند. مطالعه مگ‌گریگور (۲۰۰۶)، آماتنگ و همکارانش (۲۰۱۳)، گونتگیس (۲۰۱۴)، درشو و همکاران (۲۰۲۱)، حسونند و حسونند (۱۳۹۰)، خندان و سبحانی (۱۳۹۰)، امان‌پور و سجادیان (۱۳۹۴)، برقی و



شکل ۲. چارچوب مفهومی پژوهش

داده‌ها و روش کار

پژوهش حاضر باهدف تحلیل عوامل مؤثر بر ناکارآمدی مدیریت روستایی و نقش‌آفرینی بر توسعه کالبدی نامتوازن در پیرامون کلان‌شهر تهران با مطالعه موردی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ری انجام شده است. پژوهش به تبعیت از پارادایم پراگماتیسم، پژوهش ترکیبی (کمی - کیفی) بوده است. طرح ترکیبی مورد استفاده، طرح متوالی - اکتشافی است. بر اساس این طرح ترکیبی، جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت جداگانه و در بازه

زمانی مستقل از یکدیگر صورت گرفته است. این تحقیق به لحاظ نوع آن، کاربردی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها باتوجه به ماهیت مطالعه به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. ابزار گردآوری اطلاعات، ترکیبی از ابزارهای روش کمی و کیفی بوده است. بدین معنی که در بخش نخست از پرسش‌نامه (جهت شناسایی عوامل مؤثر بر ناکارآمدی نظام مدیریت روستایی کنونی در نواحی روستایی پیرامون کلان‌شهر از طیف لیکرت (خیلی زیاد تا خیلی کم) جدول (۲) و سپس از مصاحبه نیمه‌ساختارمند (جهت پیامدهای ناشی از مدیریت ناکارآمد) استفاده شد.

جدول ۲. شاخص سازی برای تحلیل عوامل مؤثر بر ناکارآمدی مدیریت روستایی

منبع	گویه‌های مورد پژوهش	شاخص	بعد
شاهی‌دشت و همکاران (۱۴۰۱)، برک‌پور و اسدی (۱۳۸۸)، لهسایی‌زاده (۱۳۸۸)	توانایی نفوذ در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، ضعف روابط متقابل عناصر دولتی و غیردولتی، وجود قلمروهای مدیریتی مستقل با حق اختیار، نبود مرجع حکومتی - مدیریتی واحد برای تصمیم‌گیری	تفرق حکومتی - سیاسی	ناکارآمدی نظام مدیریت روستایی
ایمانی و مجیدی دباغ (۱۴۰۳)، شاهی‌دشت و همکاران (۱۴۰۱)، فریخی (۱۳۹۱)، کاظمیان و میرعابدینی (۱۳۹۰)، خراسانی (۱۳۹۶)، خندان و سبحانی (۱۳۹۰)	مشخص نبودن سازوکارهای مدیریتی، نبود مدیریت هماهنگ، تعدد ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، مداخله عناصر رسمی و غیررسمی در فرایند تصمیم‌گیری، وجود نهادهای متعدد تصمیم‌گیرنده در حوزه خدمات‌رسانی	تفرق مدیریتی	
پریشان و همکاران (۱۴۰۲)، شاهی‌دشت و همکاران (۱۴۰۱)، ریاحی و معصومی (۱۳۹۹)، خندان و سبحانی (۱۳۹۰)، فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۲)، Ford (1999)	ناهماهنگی در قوانین و مقررات، همپوشانی قوانین، ضعف حمایت قوانین از حقوق شهروندان، ضعف سازوکارهای نظارتی، کاستی‌های نظام نظارت	ناکارآمدی قوانین و دستورالعمل‌ها	
شاهی‌دشت و همکاران (۱۴۰۱)، برک‌پور و اسدی (۱۳۸۸)، فعلی و همکاران (۱۳۸۹)، ریاحی و معصومی (۱۳۹۹)، فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۲)	عدم یکپارچگی سیاست‌های عمودی و افقی، عدم یکپارچگی برنامه‌ریزی عمودی و افقی، عدم یکپارچگی بخش‌های مختلف (اقتصادی، نهادی، زیست‌محیطی)، عدم هماهنگی و مشارکت مدیران در برنامه‌ریزی، مدیریت یکسان بر گونه‌های متفاوت روستاهایی، ضعف نظام برنامه‌ریزی، نبود مدیریت منسجم، عدم هماهنگی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی	تفرق برنامه‌ریزی - سیاسی	
شاهی‌دشت و همکاران (۱۴۰۱)، باقری (۱۳۹۸)، برک‌پور و اسدی (۱۳۸۸)	موازی‌کاری بخش‌های مختلف سازمانی (بنیاد مسکن، شهرداری، بخشداری و...)، وجود وظایف مشترک، ارائه خدمات همزمان دهیاری و شهرداری، ارائه خدمات مشترک توسط سازمان‌های متفاوت	تفرق عملکردی	
پریشان (۱۴۰۲)، شاهی‌دشت و همکاران (۱۴۰۱)، باقری (۱۳۹۸)	منطقه‌بندی شهری متفاوت میان سازمان‌ها، تداخل قلمرویی، تداخل وظایف و کارکردهای شهری و روستایی، وجود مرزهای سرزمینی غیرشفاف و ناپایدار، تغییر منافع و نفوذ قدرت‌ها در منطقه	تفرق قلمرویی	

در شهرستان ری است. روستاها به‌صورت هدفمند از بین روستاهایی انتخاب شده‌اند که در حریم شهر واقع شده و ارتباط نزدیکی با آن دارند؛ بنابراین ۶۰ روستا به‌عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند. جهت تعیین حجم نمونه باتوجه به نامعلوم بودن حجم جامعه آماری، از فرمول زیر

جامعه‌های مورد مطالعه شامل خبرگان دانشگاهی، مدیران اجرایی (فرمانداری، بخشداری، شهرداری و بنیاد مسکن)، خبرگان و مدیران بومی - محلی در سطح شهرستان ری بوده است. جامعه آماری سکونتگاه‌های روستایی استقرار یافته پیرامون کلان‌شهر تهران

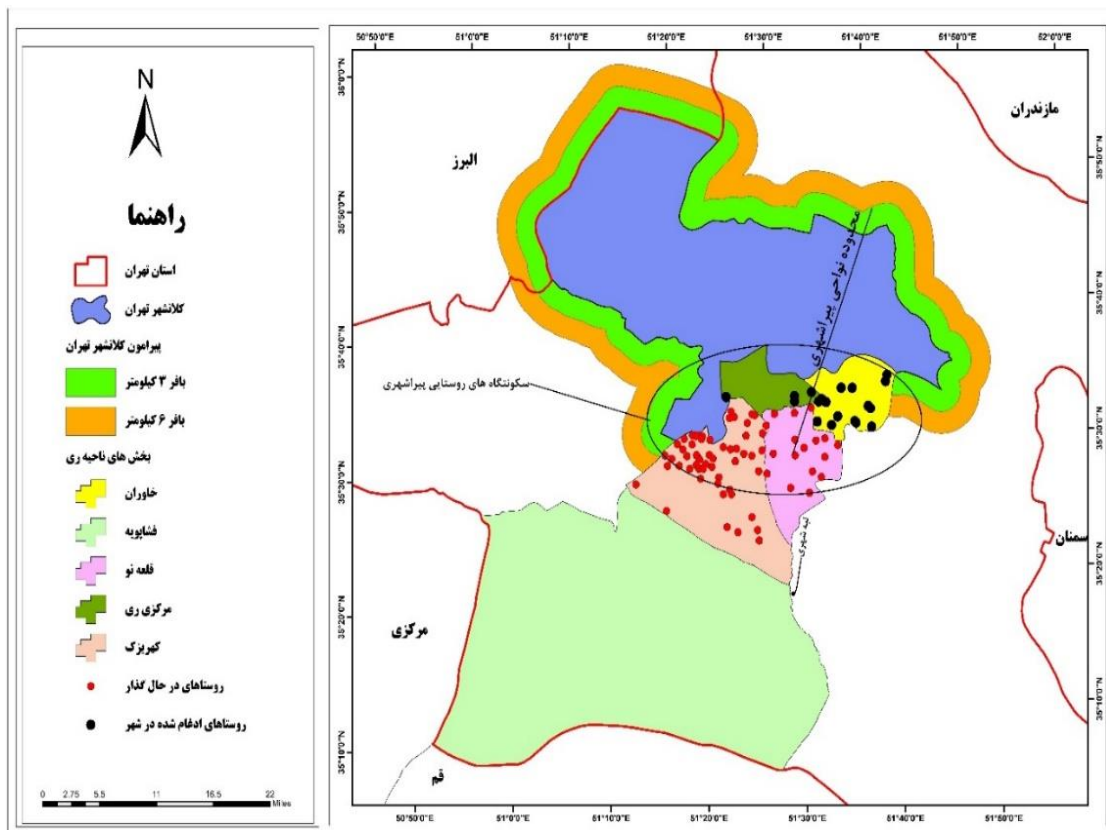
استفاده شده و حجم نمونه برابر با ۱۳۰ به دست آمده است:

$$n = \left[\frac{Z_{\alpha/2} \sigma}{e} \right]^2$$

لازم به ذکر است از آنجایی که در محدوده مورد مطالعه، تعداد مطلعین کلیدی سکونتگاه‌های روستایی در زمینه ناکارآمدی مدیریت روستایی در پیرامون کلان‌شهرها به میزان ۱۳۰ خبره محلی قابل شناسایی نبود، تعداد ۷۰ نمونه از مطلعین روستایی، ۱۰ نفر از استادان دانشگاهی، ۱۵ نفر از مطلعین سازمان‌های شهری و روستایی، و ۳۵ از مدیران محلی (دهیاران و شوراهای روستایی بودند) پرسشگری صورت گرفت. لازم به ذکر است قبل توزیع پرسشنامه‌ها بین افراد نمونه در سطح مدیران محلی (دهیاران و شوراهای) یک جلسه گروه تمرکز یا فوکوس گروپ 30 (focus group) نفره برای آگاهی رسانی در خصوص هدف پژوهش برگزار گردید. از بین راهبردهای نمونه‌گیری ترکیبی در این پژوهش، از نمونه‌گیری ترکیبی متوالی (احتمالی و هدفمند) بهره‌گیری شده است. در بخش کمی از روش نمونه‌گیری احتمالی و در بخش کیفی، روش نمونه‌گیری هدفمند باتکیه بر نمونه‌گیری گلوله‌برفی بوده است. در بخش کیفی حجم نمونه باتوجه به اشباع نظری تعیین شده است که در این بخش از پژوهش حجم نمونه شامل ۸ نفر می‌باشد. به‌منظور سنجش پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده و ضریب به‌دست‌آمده برابر با ۰/۹۳ می‌باشد. همچنین روایی پرسشنامه، با استفاده از روش اعتبار محتوایی به چند نفر از استادان و متخصصان ارائه و نظرات آن‌ها در پرسشنامه اعمال شد. شایان ذکر است در بخش کیفی، برای اطمینان‌پذیری از یافته‌های پژوهش، از روش کنترل اعضا استفاده شده است. جهت

تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کمی پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و تحلیل عاملی در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. کاهش ابعاد داده‌ها، و تبدیل آن‌ها به عوامل اصلی، شناسایی ساختار پنهان در داده‌ها، کاهش هم‌خطی بین شاخص‌ها، حذف متغیرها و داده‌های اضافی و تسهیل در تحلیل و استنباط داده‌ها، دلایل اصلی بکارگیری تحلیل عاملی در این پژوهش بوده است. همچنین در بخش کیفی از تحلیل محتوای کیفی استفاده به‌عمل آمده است.

شهرستان ری در فاصله چهارده کیلومتری از کلان‌شهر تهران، محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. این شهرستان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شهرستان‌های استان تهران به لحاظ موقعیت ریاضی در ۵۱ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی ۳۵ درجه و ۴۱ دقیقه عرض شمالی واقع شده (شکل ۳) و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰۶۲ متر است. این شهرستان از شرق به شهرستان‌های قرچک، پاکدشت و ورامین، از شمال به شهرستان تهران، از غرب به شهرستان‌های اسلام‌شهر، بهارستان و رباط کریم و از جنوب به استان قم منتهی می‌شود. از نظر موقعیت جغرافیایی این شهرستان در ناحیه دشت واقع شده است. شهرستان ری به مرکزیت شهر ری، بر اساس آمار ارائه شده از سوی معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران (۱۴۰۱)، مشتمل بر ۶ شهر، ۱۲۳ روستای دارای سکنه (۹۷ روستا) و غیرسکنه، ۵ بخش و ۹ دهستان است. طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت سکونتگاه‌های روستایی ناحیه ری برابر با ۲۰۲۸۶۰ نفر در قالب ۴۱۶۰۰ خانوار و تعداد ۱۴۶۸۳۹ (بدون احتساب جمعیت شهر ری می‌باشد) نفر جمعیت شهری است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۳. سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلانشهر تهران با تأکید بر ناحیه ری (منبع نقشه پایه، سازمان جغرافیایی، ۱۴۰۲)

بررسی کفایت لازم داده‌ها با استفاده از آزمون بارتلت و ضریب KMO برای تعیین شایستگی آن‌ها (جدول ۳)، برای شناسایی عوامل اثرگذار بر ناکارآمدی مدیریت روستایی و توسعه کالبدی نامتوازن در پیرامون کلانشهر تهران از تحلیل عاملی استفاده شده است. زمانی که مقدار ضریب KMO بیشتر از ۰/۵ (نزدیک به یک) باشد، داده‌ها کفایت بیشتری برای انجام تحلیل عاملی دارند. در این پژوهش شاخص کایزر و مایر (KMO) برابر با ۰/۹۳۵ و به لحاظ آماری نیز مقدار sig (sig=۰/۰۰۰) آزمون بارتلت کوچکتر از ۵ درصد است. بنابراین تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار و مدل عاملی مناسب است و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی، رد می‌شود (جدول ۳).

جدول ۳. آزمون کایزر و مایر و بارتلت و کفایت نمونه‌گیری

ضریب کایزر و مایر (KMO)		۰/۹۳۵
آزمون بارتلت	خی دو	۳۳۸۱/۱۸۴
	درجه آزادی	۳۲۵
	سطح معناداری	۰/۰۰۰

شرح و تفسیر نتایج

نتایج نشان می‌دهد از بین پاسخگویان مورد مطالعه در این پژوهش، ۷۴/۶ درصد پاسخ‌دهندگان را مردان و ۲۵/۴ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین مشخص شد که ۱۰ درصد از پاسخگویان در گروه سنی کمتر از ۳۰ سال، ۳۰/۸ درصد بین ۳۰-۴۰ سال، ۱۶/۲ درصد بین ۴۰-۵۰ سال، ۱۳/۱ درصد بیش از ۶۰ سال داشته‌اند. از نظر تحصیلات نیز ۱۰/۸ درصد بی‌سواد، ۲۳/۸ درصد ابتدایی تا دیپلم، ۳۵/۴ درصد کارشناسی، ۱۹/۲ درصد کارشناسی ارشد و ۱۰/۸ درصد نیز در گروه تحصیلات دکتری قرار گرفته‌اند. از نظر ویژگی‌های شغلی مشخص شد، ۱۰ درصد از پاسخگویان استادان دانشگاهی، ۱۱/۵ درصد کارشناسان دستگاه‌های اجرایی (فرمانداری، بخش‌داری، بنیاد مسکن، جهاد کشاورزی و محیط زیست)، ۵۱/۵ درصد مدیران محلی (دهیار و شورا) و سایر مشاغل (صنعت، خدمات و آزاد) ۲۶/۹ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

۲۴/۰۴۷ درصد از واریانس را در بر دارند. این سه عامل می‌توانند ۸۶/۸۸۹ درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها را توضیح دهند. در گام بعدی، جهت تفسیر بهتر بارهای عاملی، عامل‌ها را چرخانده تا قابلیت تفسیر آن‌ها افزایش یابد. جدول ۴ بارهای عاملی هر یک از متغیرها در ۳ عامل بعد از چرخش نشان می‌دهد. هر اندازه مقدار قدر مطلق این ضرایب بیشتر (با ضریب بیشتر از ۵۰ درصد) باشد، عامل مربوطه نقش بیشتری در کل تغییرات (واریانس) متغیر مورد نظر دارد. لازم به ذکر است متغیرهایی که بار عاملی کمتری داشتند، از تحلیل خارج شدند. همچنین، شاخص‌هایی که بر بیش از یک عامل بار شدند نیز از تحلیل حذف شدند. در نهایت، بعد از واریماکس عوامل و مقادیر ویژه آن‌ها، مجموع ۲۶ عامل مؤثر در ناکارآمدی مدیریت روستایی در ۳ گروه دسته‌بندی شدند (جدول ۵).

به‌منظور تعیین میزان تبیین واریانس هر گویه با تحلیل در آزمودنی‌های پژوهش، از اشتراکات استفاده شد که در تمامی موارد اشتراکات استخراجی برای عوامل مؤثر در ناکارآمدی مدیریت روستایی بالاتر از ۵۰ درصد بوده است و بیانگر توانایی عامل‌های تعیین شده در تبیین واریانس متغیرهای مورد مطالعه است (از آوردن جدول میزان اشتراک اولیه و بعد از استخراج عامل‌ها برای گویه‌های وارد شده به دلیل طولانی بوده خودداری شده است). در مرحله بعد، برای تعیین میزان تبیین واریانس توسط عوامل از کل واریانس تبیین شده به وسیله راه حلی تحلیل عاملی استفاده شد. سپس در مراحل بعدی، واریانس استخراج شده قبل و بعد از چرخش عامل‌ها استخراج شد که، بر اساس نتایج، ۳ عامل اول با مقدار ویژه بالاتر از ۱ حدود ۵۰ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند (جدول ۴).

همچنان که در جدول مشاهده می‌شود سه عامل قابلیت تبیین واریانس‌ها را دارند. عامل‌های (چرخش داده شده با روش Varimax) به ترتیب ۳۵/۱۸۶، ۲۷/۶۵۶ و

جدول ۴. مقادیر اولیه، استخراج شده و چرخش شده هر یک از عوامل

عامل‌ها	مقادیر ویژه اولیه			مقادیر ویژه عوامل استخراجی بدون چرخش			مقادیر ویژه عوامل استخراجی با چرخش		
	کل واریانس	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس	کل واریانس	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس	کل واریانس	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
عامل اول	۱۸/۵۳۰	۷۱/۲۷۰	۷۱/۲۷۰	۱۸/۵۳۰	۷۱/۲۷۰	۷۱/۲۷۰	۹/۱۴۸	۳۵/۱۸۶	۳۵/۱۸۶
عامل دوم	۲/۳۷۶	۹/۱۳۸	۸۰/۴۰۸	۲/۳۷۶	۹/۱۳۸	۸۰/۴۰۸	۷/۱۹۱	۲۷/۶۵۶	۶۲/۸۴۲
عامل سوم	۱/۶۸۵	۶/۴۸۱	۸۶/۸۸۹	۱/۶۸۵	۶/۴۸۱	۸۶/۸۸۹	۶/۲۵۲	۲۴/۰۴۷	۸۶/۸۸۹

جدول ۵. دسته بندی عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی

عامل	گویه	مقدار ویژه	میانگین
تفرق برنامه‌ریزی - سیاستی	عدم یکپارچگی بخش‌های اقتصاد، محیط‌زیست، حمل‌ونقل و غیره	۰/۹۰۴	۰/۷۷۲
	عدم هماهنگی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی در خصوص اجرای امور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای روستاهای پیرامون	۰/۸۲۲	
	نبود مدیریت منسجم در سطح ملی و محلی	۰/۸۲۰	
	عدم یکپارچگی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی عمودی و افقی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی	۰/۸۰۷	
	مداخله عناصر رسمی و غیررسمی در فرایند تصمیم‌گیری (فشارهای سیاسی)	۰/۷۷۲	
	ضعف نظام برنامه‌ریزی در سطح ملی و محلی	۰/۷۶۱	
	تفاوت در ایدئولوژی‌ها و ارزش‌ها (تفاوت‌های نگرشی)	۰/۶۵۷	
	ضعف روابط متقابل دولتی و غیردولتی	۰/۶۲۲	
مأموریتی - نهادی	موازی‌کاری بخش‌های مختلف سازمانی و وجود قلمروهای مدیریتی مستقل با حق اختیار و اظهارنظر در یک منطقه کلان‌شهری	۰/۹۲۱	۰/۷۴۰
	בלاتکلیفی حریم روستاهای واقع در پیرامون کلان‌شهرها	۰/۸۴۸	

عامل	گویه	مقدار ویژه	میانگین
	تداخل قلمرویی و به تناسب آن تداخل وظایف و کارکردهای شهری و روستایی به دلیل تعدد سازمان‌های ذی‌ربط	۰/۸۳۲	۰/۷۴۵
	منطقه‌بندی شهری متفاوت میان سازمان‌های ذی‌ربط (مناطق شهرداری، دهیاری، سازمان آب، برق، گاز، مخابرات، مراکز بهداشتی - درمانی)،	۰/۸۱۹	
	تصمیم‌گیری توسط دستگاه‌های مختلف بدون هماهنگی با یکدیگر	۰/۷۷۶	
	نبود مرجع حکومتی و مدیریتی واحد برای تصمیم‌گیری و عمل در نواحی پیراشهری	۰/۶۸۸	
	توانایی نفوذ در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری و روستایی، منطقه‌ای و تغییر آن به نفع ذی‌نفعان	۰/۶۳۷	
	وجود نهادهای متعدد تصمیم‌گیر در حوزه خدمات‌رسانی به روستاهای پیرامون	۰/۶۳۰	
	ارائه خدمات مشترک به روستاهای پیرامونی توسط سازمان‌های متفاوت (همانند دهیاری، شهرداری، بنیاد مسکن)	۰/۶۳۰	
	وجود مرزهای سرزمینی غیرشفاف و ناپایدار	۰/۶۲۷	
دستورالعمل‌ها ناکارآمدی قوانین و	وجود وظایف مشترک بین سازمان‌ها و نهادها	۰/۸۸۰	۰/۷۴۵
	ناهماهنگی قوانین شهری و روستایی	۰/۸۶۲	
	ضعف سازوکارهای نظارتی و کاستی‌های نظام نظارت	۰/۸۲۶	
	مدیریت یکسان بر گونه‌های متفاوت روستاهای پیرامون	۰/۷۹۳	
	نبود مدیریت هماهنگ و شکل‌گیری آسیب‌های محیطی در پیرامون	۰/۷۳۳	
	همپوشانی در قوانین شهری و روستایی نواحی پیراشهری	۰/۶۳۶	
	ضعف قوانین شهری و روستایی در حمایت از شهروندان	۰/۵۲۷	

(با ضریب ۰/۸۲۰)، عدم یکپارچگی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی عمودی و افقی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی (با ضریب ۰/۸۰۷) و غیره با میانگین ۰/۷۷۲ مهم‌ترین عامل اثرگذار بر ناکارآمدی مدیریت روستاهای پیرامون کلان‌شهر تهران است. این مقوله با مطالعه برک‌پور و اسدی (۱۳۸۸) و شاهان‌دشت و همکاران (۱۴۰۱) قرابت معنایی دارد.

تداخل قلمرویی - مأموریتی: تداخل قلمرویی از نشانه‌های تفرق قلمرویی است که به دلیل تعدد سازمان‌های دخیل در امر مدیریت روستاهای پیراشهری و چگونگی تقسیم وظایف برای ارائه خدمات نمایان می‌شود. در خصوص تفرق مأموریتی نیز بارلو عدم هماهنگی و عملکردی بین سازمان‌های مختلف را تفرق عملکردی [تداخل مأموریتی] می‌نامد که پس از تقسیم کارکردها و وظایف بین نهادها و سازمان‌های یک قلمرو خاص مانند (Barlow, 1991) یک روستا به وجود می‌آید. بدین معنی که کارکردها و وظایفی که ماهیت محلی دارند بین چندین نهاد تقسیم می‌شود. در این شرایط ضمن ارائه خدمات همزمان چند نهاد به یک واحد سیاسی - مدیریتی (مثل ارائه خدمات همزمان دهیاری و شهرداری به روستاهای واقع در حریم شهرها)،

باتوجه به ادبیات تحقیق و گویه‌های موردبررسی، عامل‌های استخراج شده در سه مقوله تفرق برنامه‌ریزی - سیاستی، تداخل مأموریتی - قلمرویی و ناکارآمدی قوانین و دستورالعمل‌ها نام‌گذاری شدند.

تفرق برنامه‌ریزی - سیاستی: برنامه‌ریزی از

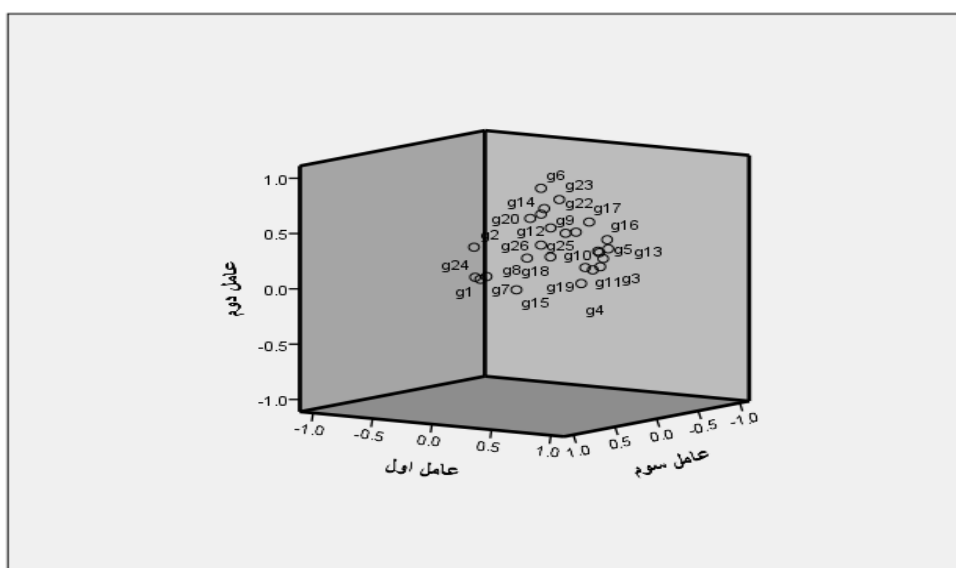
ابزارهای اصلی امور مدیریتی و سیاستی است. عدم هماهنگی و انسجام در نظام مدیریت، ناهماهنگی در تدوین و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها و ضعف در فرایند امور برنامه‌ریزی - سیاستی باعث تعارض منابع، ناهماهنگی میان دستگاه‌ها و منجر به درجات بالاتری از نوسان در عدم هم‌راستایی با اهداف مدیریتی و منجر به ایجاد تفرق سیاستی - برنامه‌ریزی می‌شود. تفرق برنامه‌ریزی - سیاستی به معنای عدم وجود استراتژی و سیاست یکپارچه عمودی و افقی در برنامه‌ریزی و مدیریت روستاهای پیرامون کلان‌شهرها است. تفرق برنامه‌ریزی - سیاستی در اشکال مختلفی همچون عدم یکپارچگی بخش‌های اقتصاد، محیط‌زیست، حمل‌ونقل و غیره (با ضریب ۰/۹۰۴)، عدم هماهنگی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی در خصوص اجرای امور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای روستاهای پیرامون (با ضریب ۰/۸۲۲)، نبود مدیریت منسجم در سطح ملی و محلی

قوانین و نبود شفافیت قانون و سازوکارهای مشارکت و نامشخص بودن مسئولیت‌های قانونی مدیریت روستایی ناشی می‌شود. بروز تعارضات قانونی، افزایش عدم قطعیت برای ذی‌نفعان روستایی، ناکارایی مدیریت روستایی از جمله پیامدهای ناکارآمدی قوانین هستند. مواردی همچون وجود وظایف مشترک بین سازمان‌ها و نهادها (۰/۸۸۰)، ناهماهنگی قوانین شهری و روستایی (۰/۸۶۲)، ضعف سازوکارهای نظارتی و کاستی‌های نظام نظارت (۰/۸۲۶)، مدیریت یکسان بر گونه‌های متفاوت روستاهای پیرامون (۰/۷۹۳) و غیره بستر ساز ناکارآمدی قوانین و دستورالعمل‌ها در نواحی پیراشهری کلان‌شهر تهران شده است. ناکارآمدی قوانین و دستورالعمل‌ها با میانگین ۰/۷۴۵ به‌عنوان دومین عامل اثرگذار بر ناکارآمدی نظام مدیریت روستایی در سکونتگاه‌های پیراشهری روستایی ناحیه ری است. در شکل (۳) پراکنش متغیرهای موردبررسی نسبت به عامل‌های اول، دوم و سوم نشان داده شده است. این یافته بامطالعه پریشان (۱۴۰۲) و Ford(1999) قرابت معنایی دارد. بدین معنی که محققین مورد اشاره ضعف قانون و نبود جایگاه قانونی مناسب را از عوامل مؤثر بر ناکارآمدی مدیریت روستایی بیان داشته‌اند.

ناهماهنگی‌هایی در ارائه خدمات دستگاه‌های خدمات‌رسان به سکونتگاه‌های روستایی ایجاد شده و بستر ساز ناکارآمدی نظام مدیریت روستایی می‌شود. موارد مذکور در این بخش از پژوهش همانند تداخل قلمرویی و به‌تناسب آن تداخل وظایف و کارکردهای شهری و روستایی به دلیل تعدد سازمان‌های ذی‌ربط (۰/۸۳۲)، منطقه‌بندی شهری متفاوت میان سازمان‌های ذی‌ربط (مناطق شهرداری، دهیاری، سازمان آب، برق، گاز، مخابرات، مراکز بهداشتی - درمانی) (۰/۸۱۹)، تصمیم‌گیری توسط دستگاه‌های مختلف بدون هماهنگی با یکدیگر (۰/۷۷۶)، نبود مرجع حکومتی و مدیریتی واحد برای تصمیم‌گیری و عمل در نواحی پیراشهری (۰/۶۸۸) و دیگر موارد، تحت عنوان تداخل قلمرویی - مأموریتی با میانگین ۰/۷۴۰ به‌عنوان یکی دیگر از نیروهای اثرگذار بر ناکارآمدی مدیریت روستایی در نواحی پیرامون کلان‌شهر تهران به شمار می‌رود. این مقوله بامطالعه پریشان (۱۴۰۲) و شاهی‌دشت و همکاران (۱۴۰۱) قرابت معنایی دارد.

ناکارآمدی قوانین و دستورالعمل‌ها: ناکارآمدی

قوانین و دستورالعمل‌ها در حوزه مدیریت روستایی موضوعی چندبعدی است که از تداخل بین چارچوب‌های قانونی، فرایندهای اجرای سیاست، بازنگری دیر هنگام



شکل ۳. نمودار سه بعدی پراکنش متغیرها نسبت به عامل‌های استخراج شده

مدیریت نامتناسب روستایی در پی نبود الگوی تعاملات یکپارچه ساختاری- عملکردی روستاهای پیرامون با کلان‌شهر تهران، موجب توسعه کالبدی نامتوازن روستایی - شهری و ناپایداری نظام سکونتگاهی در پهنه‌های پیراشهری می‌شود. با رشد بی‌رویه کلان‌شهر تهران، نیاز به زمین برای ساخت‌وساز، هجوم سوداگران، و گسترش بدون برنامه‌ریزی زیرساخت‌ها، سکونتگاه‌های روستایی را به جبهه‌ای داغ برای تصمیم‌های حساس تبدیل کرده است. در این میان ناکارآمدی مدیریت روستایی که خود را در قالب‌هایی چون شکاف‌های سیاستی، پایه‌های فکری متفاوت، دسترسی نابرابر به اطلاعات، عدم هماهنگی بین‌بخشی میان نهادهای شهری و روستایی، ضعف در نظارت و اجرای قوانین، ضعف در تدوین و اجرای برنامه‌های جامع روستایی متناسب با فشارهای شهری، ناتوانی در کنترل سوداگری زمین، فرسایش سرمایه‌های انسانی و طبیعی، کاهش شفافیت و پاسخگویی، کاهش اثربخشی، افزایش پیچیدگی و هزینه‌ها، تداخل و اصطکاک با وظایف و قلمروهای سایر سازمان‌ها و غیره نشان می‌دهد، این سکونتگاه‌ها را در آستانه یک دگرگونی هویتی و عملکردی قرار داده است. این ناکارآمدی، ضمن تضعیف هویت روستایی، سبب تغییر کاربری اراضی کشاورزی به ویلاهای مجلل و شهرک‌های خوابگاهی، ایجاد سکونتگاه‌های زیست غیررسمی، فشارهای شدید بر محیط‌زیست، فروپاشی اقتصاد معیشتی و کارکرد روستایی، از بین رفتن بافت اجتماعی و فرهنگی منسجم روستاها شکل‌گیری پدیده تراحم فضایی در روستاهای پیراشهری و ایجاد عدم تعادل فضایی شده است. مشارکت‌کننده‌ای در این زمینه چنین بیان می‌دارد: «... به دنبال شکاف‌های سیاستی و تصمیم‌گیری‌های جزیره‌ای، گسترش تهران، روستاهای زیادی در پیرامون این شهر بر اثر مهاجرت و حاشیه‌نشینی گسترش پیدا کرده و در شهر ادغام شده‌اند و چه بسیار از روستاهای که در حال گذار (مثل قلعه‌نو) هستند و اگر غفلت شود و درست و با برنامه مدیریت نشوند، در گذر زمان به‌عنوان محله‌ای شهری در تهران ادغام می‌شوند و هویت و اقتصاد روستایی خود را کاملاً از دست می‌دهند. مهاجرت

تفرق برنامه‌ریزی - سیاستی و تفرق قلمرویی - مأموریتی در اشکال عدم تعادل فضایی، تراحم فضایی، شکل‌گیری فعالیت‌های ناسازگار، تغییر کاربری اراضی، تغییر کارکرد روستایی، سوداگری زمین، ساخت‌وسازهای غیرقانونی و... به‌عنوان ریشه‌های اصلی توسعه کالبدی - فضایی نامتوازن در روستاهای پیرامون کلان‌شهر تهران، موجب ایجاد شکاف و ناهماهنگی عمیق میان نهادهای سیاست‌گذار و اجرایی در سطوح مختلف شده است. این گسست در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی، فقدان چشم‌اندازی یکپارچه را در خصوص توسعه این نواحی به همراه داشته است. در نتیجه، این نواحی شاهد اجرای طرح‌های توسعه‌ای موازی و گاه متضاد، تداخل در اختیارات و مسئولیت‌ها، و عدم وجود سازوکار هماهنگ برای مدیریت کاربری اراضی و تأمین زیرساخت‌ها است. این وضعیت، فرصت‌های توسعه متوازن را از بین برده و منجر به شکل‌گیری الگوهای توسعه کالبدی نامتوازن و تخریب‌کننده شده است. همچنین ناکارآمدی قوانین و دستورالعمل‌ها در قالب عدم شفافیت، ناکامی در اجرای مؤثر قوانین موجود و...، عامل تشدیدکننده دیگری در توسعه کالبدی - فضایی نامتوازن در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلان‌شهر تهران محسوب می‌شود. ضعف نظارت، نفوذپذیری قوانین در برابر فشارهای اقتصادی و اجتماعی، به تغییر کاربری اراضی برای ساخت‌وسازهای مسکونی، تجاری و حتی صنعتی غیررسمی دامن زده است. این امر علاوه بر تخریب ظرفیت‌های تولیدی روستاها، موجب گسترش افقی شهر شده و کارکرد روستاها را تغییر داده و ساختار سنتی آن‌ها را دگرگون کرده است. موارد مذکور سبب شده است تا ناحیه ری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرستان‌های مجاور کلان‌شهر تهران، شاهد پدیده‌هایی مانند تراحم فضایی، شکل‌گیری سکونتگاه‌های زیست غیررسمی، تغییر کاربری اراضی، گسترش ترافیک و... گردد که در قالب پیامدهای به شرح ذیل مورد اشاره قرار گرفته است.

پیامدها: در چشم‌انداز کلان فضایی همواره نظام مدیریت روستاهای پیرامون کلان‌شهری تأثیر شگرفی در تحولات توسعه کالبدی بر جا می‌گذارد. به‌عبارت‌دیگر

به توسعه نامتوازن کالبدی چنین اظهار می‌دارد: «مدیریت ناکار مثل یک ناپدیری است که به‌جای مراقبت از فرزندش (شهر)، او را رها می‌کند تا هر طور که شد، رشد کند. حتی به قیمت از دست رفتن فرزند دیگرش (روستا). نتیجه چنین کاری می‌شود توسعه نامتوازن و پر از چالش...».

- ایجاد سکونتگاه‌های زیست غیر رسمی: در بسیاری از مناطق پیرامونی، شاهد شکل‌گیری سکونتگاه‌هایی هستیم که فاقد زیرساخت‌های استاندارد، دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی، آموزشی و حمل‌ونقل هستند. این مناطق اغلب با مشکلات اجتماعی و اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

- ترافیک و آلودگی هوا: گسترش افقی شهر و افزایش فاصله محل سکونت تا کار، منجر به افزایش چشمگیر ترافیک در ورودی‌های تهران و بزرگراه‌های اطراف شده است. این موضوع به نوبه خود، آلودگی هوا را تشدید کرده و کیفیت زندگی را برای ساکنان این مناطق کاهش داده است.

- تغییر الگوی مصرف آب و فشار بر منابع: توسعه نامتوازن، نیاز به مصرف آب را در مناطق حاشیه‌ای افزایش داده و فشار مضاعفی بر منابع آبی محدود تهران و اطراف آن وارد می‌کند.

- تغییر پوشش اراضی (تخریب باغات و اراضی کشاورزی): بخش قابل‌توجهی از باغات و زمین‌های کشاورزی که زمانی ریه سبز اطراف تهران بودند، به واحدهای مسکونی، کارگاه‌ها و مجتمع‌های تجاری تبدیل شده‌اند. این امر ضمن اینکه اکوسیستم منطقه را تحت‌تأثیر قرار داده و سبب کاهش امنیت غذایی شده است، منجر به شکل‌گیری فعالیت‌های ناسازگار کنار هم شده (مثلاً کارخانه و کارگاه صنعتی در کنار نواحی مسکونی) و پیدایش پدیده تراحم فضایی را در ناحیه ری رقم زده است. ناحیه ری به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود در جنوب کلان‌شهر تهران به دلایلی همچون عدم برنامه‌ریزی صحیح و مدیریت نامناسب در زمینه زیرساختی، مسائل زیست‌محیطی و... میدان رقابت شدید فضایی میان کاربری‌های متضاد شهری و روستایی، تاریخی - مذهبی، کشاورزی و

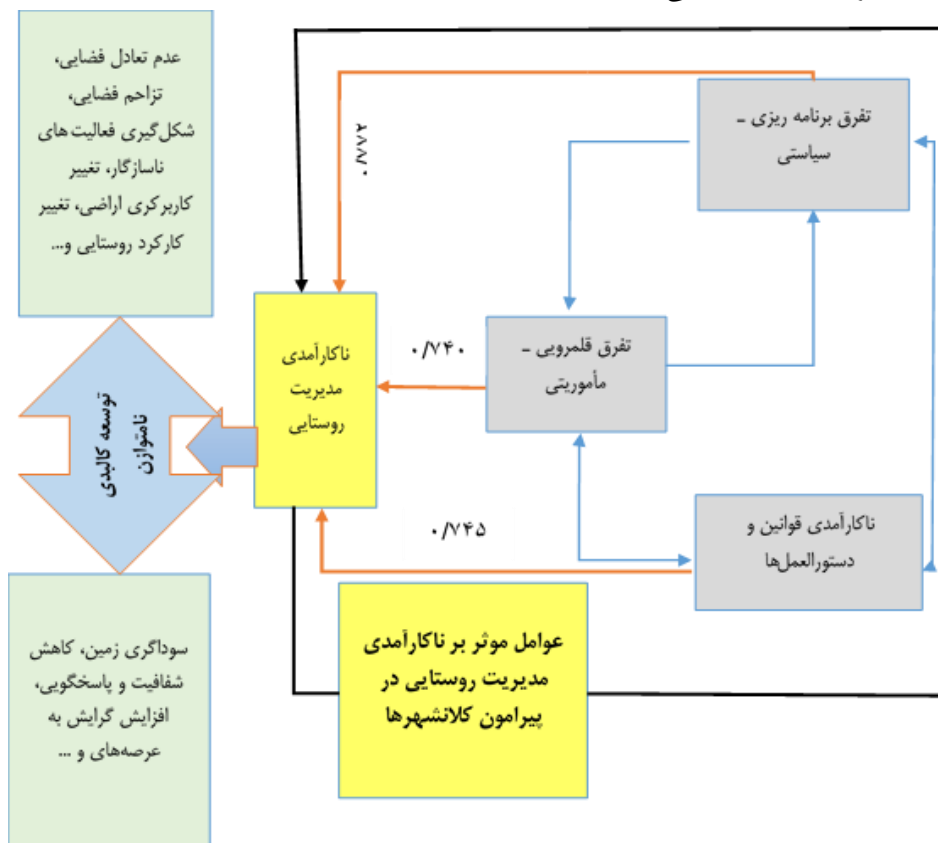
به این روستاها مثل روستاهای بخش کهریزک نیز زیاد شده و فعالیت‌های ناسازگار کنار هم شکل می‌گیرند...»

توسعه کالبدی نامتوازن در پیرامون کلان‌شهر تهران، به شکل بسیار واضحی قابل‌مشاهده است. گسترش شهرنشینی و رشد سریع جمعیت در دهه‌های گذشته، باعث شده تا بسیاری از ساخت‌وسازها و توسعه‌ها در مناطق اطراف تهران، بدون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق و انسجام کالبدی صورت گیرد. مشارکت‌کننده دیگری، تغییر نگرش فرهنگی، شکل‌گیری شهرک‌های خوابگاهی و تخریب محیط‌زیست و توسعه کالبدی نامتوازن را از دیگر پیامدهای اصلی ناکارآمدی مدیریت عنوان کرده و در این خصوص چنین اظهار می‌دارد: «... هویت روستایی با تغییر نگرش‌های فرهنگی از بین می‌رود. مثل روستاهای قلعه‌نو و فیروزآباد که دیدگاه و نگرش مردم کاملاً تغییر کرده. این روستاها کاملاً شهری شدند. خاوران نیز از جمله نواحی است که کارکرد خوابگاهی گرفته و باتوجه به دسترسی آسان به تهران (از سمت جنوب شرق) مردم برای کار به تهران می‌روند و شب برای استراحت به خاوران برمی‌گردند. توسعه کالبدی نامتوازن را در روستاهای بخش مرکزی، خاوران، کهریزک به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد. روستاها در اینجا دیگر رنگ‌وبویی ندارد... خاوران نیز به‌عنوان یک ناحیه صنعتی شده، میشه گفت یکی از قطب‌های صنعتی استان در جنوب و جنوب شرق. اینجا نیز اثری از روستا و هویت روستایی نیست.»

مشارکت‌کننده دیگری با اشاره به توسعه نامنظم چنین بیان می‌دارد: «... در بخش‌هایی از بزرگراه آزادگان یا اتوبان امام علی (ع) در محدوده ری می‌بینید که چطور بدون وجود یک طرح یکپارچه و جامع، خطوط لوله گاز، دکل‌های برق فشارقوی و اتوبان‌های شریانی در کنار هم و گاهی با تداخل در حریم یکدیگر قرار گرفته‌اند. این وضعیت باعث شده تا توسعه زیرساخت‌ها به‌صورت وصله و بدون هماهنگی لازم انجام بشود. نتیجه‌اش می‌شود افزایش هزینه‌های نگهداری، کاهش ایمنی و دشواری در توسعه آتی. این نمونه عینی از فقدان یک مدیریت هماهنگ بین سازمان‌های مختلف مانند برق، گاز و... است...». مشارکت‌کننده‌ای از استادان دانشگاهی با اشاره

روستاهای پیرامون کلان‌شهر تهران به طور موردی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ری به‌مثابه آزمونگاه‌های واقعی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه فضایی عمل می‌کنند. این روستاها نه تنها هویت خود را از دست داده‌اند، بلکه به حاشیه‌ها ناپایدار و آسیب‌پذیر در سایه کلان‌شهر تبدیل شده‌اند. درک عوامل تأثیرگذار بر ناکارآمدی نظام مدیریت روستایی در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلان‌شهرها در قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه در قالب مدل زمینه‌ای در شکل (۴) نشان داده شده است. عوامل تفرق برنامه‌ریزی - سیاستی، تفرق قلمرویی - مأموریتی و ناکارآمدی قوانین و دستورالعمل‌ها در اشکال عدم تعادل فضایی، تراحم فضایی، شکل‌گیری فعالیت‌های ناسازگار، تغییر کاربری اراضی، تغییر کارکرد روستایی و ... کاهش شفافیت و پاسخگویی، افزایش گرایش به عرصه‌های شهری و ... منجر به توسعه کالبدی - فضایی نامتوازن در روستاهای پیرامون کلان‌شهر تهران شده است.

صنعتی است که به واسطه فشارهای جمعیتی، توسعه اقتصادی نامنظم و ارزش بالای زمین تشدید می‌شود. این مسئله نمونه بارز پدیده تراحم فضایی است که خود را در شکل توسعه کالبدی نامتوازن نشان می‌دهد؛ از آن جمله می‌توان به تشدید آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از هم‌جواری نامناسب فعالیت‌های صنعتی با سکونتگاه‌های انسانی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های زیست غیررسمی و فشار مضاعف بر زیرساخت‌های فرسوده اشاره کرد که همگی بازتاب‌دهنده فقدان مدیریت کارا در نواحی پیرامون کلان‌شهرها است. می‌توان این‌گونه استنباط نمود که پهنه وسیع اطراف کلان‌شهر تهران، پایتخت سیاسی و اقتصادی ایران، کانون ویژه‌ای از تحولات فضایی، اجتماعی - اقتصادی را در خود جای داده است. روستاهای پیرامونی در این محدوده، نه صرفاً به‌عنوان سکونتگاه‌های سنتی، بلکه به‌مثابه مرزهای متحرک میان دو جهان شهری و روستایی عمل می‌کنند. قرارگیری این روستاها منجر به دگرگونی‌های ساختاری-کالبدی عمیقی شده است.



شکل ۴. عوامل مؤثر بر ناکارآمدی مدیریت روستایی در نواحی پیرامون کلان‌شهر تهران، ناحیه ری

بحث و نتیجه گیری

کارکردهای فضایی در عرصه‌های روستایی تأکید ورزد و به‌نوعی موجب هم‌افزایی بیشتر حوزه‌های مداخله در عرصه مدیریتی در سکونتگاه‌های روستایی، به‌ویژه روستاهای پیرامون شهری شود. با این وجود، نگاهی به تحولات مدیریت روستایی ایران از گذشته تا کنون، به‌ویژه بعد از جریان اصلاحات ارضی دهه چهل نشان می‌دهد که مدیریت روستایی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بوده و به لحاظ ساختارهای تصمیم‌گیری - اداری، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته است و خلأ مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی ادوار، به‌خصوص در دهه‌های اخیر مسائل فراوانی را برای روستاییان ایجاد کرده است. از یک سو، با توجه به تغییر مقتضیات زمانی، دیدگاه سنتی مدیریت در نواحی روستایی قادر به حل و فصل مشکلات این جامعه مولد نبوده و از دیگر سو، ساختار جدید مدیریت روستایی مبتنی بر نقش مردم در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی (رویکرد پایین‌به‌بالا)، به دلایل متعدد از جمله تعارض روابط افقی - جغرافیایی مدیریت روستایی با روابط عمودی و سلسله‌مراتبی سازمان‌های دولت مرکزی اشاره کرد، نامشخص بودن تشکیلات و روابط بین سازمانی نهادهای دخیل در حوزه مدیریت روستایی، ضعف نظام برنامه‌ریزی و فقدان یکپارچگی نتوانسته است بر کاستی‌های روستاها به‌ویژه روستاهای پیرامون کلان‌شهرها فائق آمده و جایگاه خود را پیدا کند.

شهرستان ری به‌عنوان یکی از نواحی پیرامونی کلان‌شهر تهران و نیز یکی از پایگاه‌های مهاجرنشین در سطح استان، طی دهه‌های گذشته پذیرای تعداد زیادی از مهاجرانی بوده است که به‌قصد یافتن شغل و درآمد مناسب و به دنبال آن برخورداری از رفاه مناسب به تهران راهی شده‌اند. بسیاری از آن‌ها استطاعت کافی جهت پیدا کردن شغل، مسکن یا هر دو آن‌ها را در تهران نداشته‌اند؛ به‌ناچار به دلیل دسترسی راحت به زمین و مسکن ارزان و همچنین دسترسی آسان به شهر و خدمات شهری، راهی شهرها و سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلان‌شهر تهران شده‌اند. این امر با گسترش بی‌رویه ساخت‌وسازهای غیررسمی، تغییر کاربری اراضی

و ادغام نامتناسب عناصر شهری در ساختار فضایی روستاها و ضعف مدیریت همراه بوده و منجر به تخریب هویت روستایی و ایجاد چالش‌های زیرساختی و زیست‌محیطی در سکونتگاه‌های روستایی پیراشهری شده و آن‌ها را دچار ناپایداری کرده است. می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مدیریت روستایی کنونی فاقد کارایی بوده و روستاها را به ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین حلقه در نظام‌های جغرافیایی تبدیل کرده و نه تنها نیازهای روستاها را تأمین نکرده؛ بلکه آن‌ها را آستان برخورد واکنشی و نه تعاملی در برابر آسیب‌های ناشی از نظام مدیریتی کرده و با در حاشیه قرار گرفتن روستاها و ادغام فضایی آن‌ها در شهر، ضمن شکل‌گیری سکونتگاه‌های زیستی غیررسمی، عدم تعیین دقیق مکان دفع پسماند سبب تخریب محیط‌زیست، پیدایش تعارض فضایی، افزایش گرایش روستاییان به عرصه‌های شهری و نهایتاً منجر به ناکارآمدی مدیریت روستایی و شکل‌گیری توسعه کالبدی نامتوازن شده است. ناکارآمدی مدیریت روستایی در پیرامون کلان‌شهرها تحت‌تأثیر تفرق برنامه‌ریزی - سیاستی (۰/۷۷۲)، تداخل مأموریتی - قلمرویی (با ضریب ۰/۷۴۰) و ناکارآمدی قوانین و دستورالعمل‌ها با ضریب (۰/۷۴۵) ایجاد شده و بسترهای توسعه کالبدی نامتوازن روستایی - شهری در پهنه‌های پیراشهری را فراهم ساخته است. این یافته‌ها با مطالعات پریشان (۱۴۰۲)، شاهی‌دشت و همکاران (۱۴۰۱)، برک‌پور و اسدی (۱۳۸۸) و Ford (1999) در حوزه توسعه کالبدی نامتوازن با مطالعه عنابستانی و جلالی (۱۴۰۰) و روح‌الهی (۱۳۹۱) قرابت معنایی دارد.

توسعه کالبدی نامتوازن در روستاهای پیرامون کلان‌شهرها، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که اغلب به‌صورت گسترش بی‌رویه و ناهمگون شهرک‌ها، مناطق مسکونی و کاربری‌های صنعتی در حاشیه شهر نمود پیدا می‌کند. این پدیده، علاوه بر ایجاد آشتگی و ناکارآمدی در کالبد فضایی این سکونتگاه‌ها، پیامدهای متعددی در ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد. از منظر زیست‌محیطی، این نوع توسعه منجر به تخریب اراضی کشاورزی و فضاهای طبیعی، تغییر کارکرد روستایی، افزایش آلودگی هوا و آب به دلیل افزایش

توسعه نامتوازن کالبدی در روستاهای پیرامون کلان‌شهرها، اتخاذ رویکردی جامع، یکپارچه، و چندبعدی ضروری است. راهکارها باید هم‌زمان بر جنبه‌های برنامه‌ریزی، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی تمرکز کنند. باتوجه‌به نتایج به دست آمده پیشنهادهایی به شرح زیر بیان می‌گردد:

شکل‌گیری مدیریت یکپارچه: ایجاد یک برنامه

جامع برای کلان‌شهر و مناطق پیرامونی آن که نواحی شهری و روستایی را به‌صورت یکپارچه و هماهنگ مدیریت کند. این طرح باید چشم‌انداز بلندمدت، اهداف، و استراتژی‌های کلی توسعه را مشخص کند.

پهنه‌بندی کاربری اراضی: تعیین دقیق و

واقع‌بینانه کاربری‌های مجاز در مناطق مختلف پیرامونی (مناطق مسکونی، کشاورزی، صنعتی، خدماتی، فضاهای طبیعی، مناطق حفاظت‌شده، مناطق توسعه‌آتی) و تدوین مقررات مربوط به هر پهنه.

تعیین حدود توسعه: مشخص کردن مناطقی که

مجاز به گسترش کالبدی هستند و جلوگیری از گسترش بی‌رویه به خارج از این حدود، به‌ویژه در اراضی کشاورزی و مناطق حساس زیست‌محیطی.

واگذاری اختیارات لازم: اعطای اختیارات کافی

به مدیران محلی برای تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها در چارچوب قوانین و مقررات.

مشارکت ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی و

شکل‌گیری حکمروایی خوب: ایجاد سازوکارهای مؤثر برای مشارکت فعال ساکنان روستاها در مراحل مختلف تدوین و اجرای طرح‌های توسعه (از جمله برگزاری جلسات عمومی، کارگاه‌های مشارکتی، و تشکیل کمیته‌های محلی و بهبود عملکردهای نظارتی در ساخت‌وسازهای روستایی) و همکاری مؤثر میان دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و مردم محلی در اتخاذ و اجرای تصمیمات مدیریتی و توسعه‌ای

ترافیک و فعالیت‌های صنعتی پراکنده، سوداگری زمین، تراجم فضایی، و همچنین تشدید پدیده جزیره گرمایی شهری می‌شود. از سوی دیگر، فشار بر منابع آب‌وخاک افزایش‌یافته و اکوسیستم‌های طبیعی اطراف شهر تحت تأثیرات مخرب قرار می‌گیرند. از حیث اقتصادی و اجتماعی، توسعه نامتوازن شکاف طبقاتی و نابرابری‌های فضایی را تشدید کرده و هویت روستاها را تحت‌تأثیر قرار داده است. مناطقی که به‌دور از مراکز اصلی شهر و با دسترسی محدود به خدمات شهری (مانند حمل‌ونقل عمومی، بهداشت، آموزش و اشتغال) شکل می‌گیرند، غالباً با مشکلات اجتماعی بیشتری از جمله بیکاری، جرم و جنایت، و احساس بیگانگی در میان ساکنان روبرو هستند. همچنین، افزایش سفرهای روزانه بین این مناطق پیرامونی و مرکز شهر، منجر به اتلاف وقت، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و کاهش بهره‌وری اقتصادی می‌شود. این پراکندگی کالبدی، مدیریت و ارائه خدمات شهری کارآمد را نیز برای مسئولین دشوارتر کرده و میزان شفافیت و پاسخگویی را کاهش می‌دهد.

در نهایت با توجه به نتایج حاصل از پژوهش می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مدیریت روستایی پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که اگر در روستاهای پیرامون کلان‌شهرها به‌گونه‌ای صحیح و متناسب با ویژگی‌های جغرافیایی و سرزمینی صورت نگیرد و از تغییر شدید پوشش اراضی این نواحی و تشدید تمرکز فعالیت‌های صنعتی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های خوابگاهی بدون برنامه‌ریزی دقیق جلوگیری نشود، ناکارآمدی شکل‌گرفته ضمن ادغام کامل روستاهای پیراشهری (به‌ویژه روستاهای در حال گذار) در کلان‌شهر تهران در گذر زمان، سبب تخریب کامل بنیادهای اقتصادی روستاها و زیست‌محیطی شده و روستاهای پیراشهری تبدیل به خانه دوم شهروندان متمول و نیروی کار شهری شده و سبب تشدید توسعه کالبدی نامتوازن در نواحی پیرامون کلان‌شهرها خواهد شد. برای مقابله با چالش‌های پیچیده

References

Afsharipour, A. (2020). Optimal Policymaking for Rural Area Management (Case Study: Rural Areas of Kerman Province). (Ph.D. Dissertation). Supervisor: Hamid

Barghi, Isfahan University, Isfahan. [In Persian]

Amanpour, S., & Sajjadian, M. (2015). A Pathological Study on the Spatial Organization and Management of

- Tehran Metropolis, *Urban Peripheral Development*, 3(1), 97-112. [In Persian]
<https://doi.org/20.1001.1.26764164.1400.3.1.6.0>
- Amoateng, P., Cobbinah, P. B., & Owusu- Adade, K. (2013). Managing physical development in peri-urban areas of Kumasi, Ghana: A case of Abuakwa. *Journal of Urban and Environmental Engineering (JUEE)*, 7(1).
- Anabestani, A. A., & Fa'al Jalali, A. (2021). Analyzing the Impact of Rural Council (Dehyari) Supervision on Physical Development Construction (Case Study: Peri-Urban Villages of Mashhad Metropolis). *Journal of Physical Development Planning*, 6(1), 67-84. [In Persian]
- Araya, yikalo H, Cabral, Pedro. (2010). Analysis and Modeling of Urban Land Cover Change in Setúbal and Sesimbra, *Publication, Remote*, 2(6), 1549-1563.
- Bagheri, F. (2019). Integrated Coastal Tourism Management Model (Case Study: Mazandaran Province). (Ph.D. Dissertation). Supervisor: Esmail Ghaderi, Allameh Tabataba'i University, Tehran. [In Persian]
- Barghi, H., Ghanbari, Y., & Afsharipour, A. (2014). Evaluating the Performance of Dehyaris in Rural Economic Development from Residents' Perspective (Case Study: Central District of Bam County), *Journal of Spatial Planning*, 4(4), 78-104. [In Persian]
- Barkpour, N., & Asadi, I. (2009). *Urban Management and Governance*. Art University Press, Tehran. [In Persian]
- Barkpour, N., Asadi, I., & Basirat, M. (2010). Typology of Private Sphere and Global Experiences in Planning and Management, *Shahrnegar Bi-quarterly*, (56-57), 17-38. [In Persian]
- Barlow, I. M. (1991). Metropolitan Government, London, New York: Routledge.
- Barton, S.E., (1984). Conflict resolution as necessity, practice, and ideal, *Journal of Planning Education and Research*, Vol 4, 96- 102.
- Buxton, M., Alvarez, A., Andrew Butt, S.F., & Danny, O. (2008). Planning Sustainable Futures for Melbourne Peri-urban Region, RMIT University, and Melbourne.
- Churchill, R.R., & Liebowitzm, R.D., (2007). Spatial conflict and conflict resolution, a classroom simulation, *Journal of Geography in Higher Education*, 2(14), 151- 156.
- Connor, D. S., Hunter, L., Jang, J., & Uhl, J. H. (2023). Family, community, and the rural social mobility advantage. *Res. Soc. Stratification Mobility* 87:100844.
<https://doi.org/10.1016/j.rssm.2023.100844>
- Danekar, A. (2015). Environmental Challenges on the Eve of the Sixth Development Plan, *Shargh Special Issue*, Tehran, 73-76. [In Persian]
- Darban Astaneh, A., & Rezvani, M. R. (2014). *Fundamentals of Rural Management*. University of Tehran Press, Tehran. [In Persian]
- Darban Astaneh, A., et al. (2024). Systematic Analytical Review of Integrated Local Management Framework in Peri-Urban Villages (2010-2020), *Journal of Rural Studies*, 15(1). [In Persian]
- Drescher, A. W., Isendahl, C., Cruz, M. C., Karg, H., and Menakanit, A. (2021). Urban and peri-urban agriculture in the global south, in *Urban Ecology in the Global South. Cities and Nature*, eds C.M. Shackleton, S. S. Cilliers, E. Davoren, M. J. du Toit (Cham: Springer).
https://doi.org/10.1007/978-3-030-67650-6_12

- Faeli, S., et al. (2010). Challenges of Rural Communities for Achieving Sustainable Development, *Journal of Rural and Development*, 13(4), 97-128. [In Persian]
- Faraji Sabokbar, H., Bayat, N., & Ghassabi, M. J. (2013). Understanding and Analyzing the Causes of Rural Management Inefficiency from the Perspective of Local People (Case Study: Central District of Aran and Bidgol County), *Journal of Rural Research and Planning*, (3). [In Persian]
- Farihi, F. (2012). An Analysis of Rural Management Challenges and Its Role in Rural Underdevelopment (Case Study: Lishter Rural District). (M.A. Thesis). Zanjan University, Zanjan. [In Persian]
- Ford, T. (1999). Understanding Population Growth in the Peri-Urban Region, *International Journal of Population Geography Int. J. Popul. Geogr.* 5, 297- 311.
- Furmankiewicz, M., & Macken-Walsh, A. (2016). Government within governance? Polish rural development partnership through the lens of functional representation, *rural studies*, V46, 12-22.
- Ghasemi, S. (2025). An Inquiry into the Optimal Rural Management Model in Iran, *Journal of Geography and Human Relations*, 8(1), 209-224. [In Persian]
- Haj Alizadeh, A., et al. (2022). Pathological Study of Rural Management from People's Perspective in Rural Areas of Central Ardabil Province, *Rural Housing and Environment*, (180), 115-125. [In Persian]
- Hassanoud, E., & Hassanvand, E. (2011). Dehyari Experience, Barriers to Success and Their Functions (Case Study: Dehyaris of Selseleh County in Lorestan Province). *Journal of Rural and Development*, 14(2), 139-164. [In Persian]
- <https://www.un.org>.
- Iaquinta, D., & Drescher, A. (2001). More than the spatial fringe: an application of the periurban typology to planning and managing the Environment of natural resources. Paper presented to the conference: Rural- Urban Encounters: Managing the Environment of the periurban Interface. Development Planning Unit; University College London.
- Imani Jajermi, H. (2011). Rural Management and Challenges of Rural Participation, Book of the Month of Social Sciences, (40). [In Persian]
- Imani, B., & Majidi Dabbagh, S. (2024). Driving and Restraining Factors of New Rural Management (Case Study: Central District of Ardabil County), *Journal of Rural and Sustainable Spatial Development*, 5(2), 36-55. [In Persian]
- Jonsson, S. A. (2017). The realm of freedom in new rural governance: Micro-politics of democracy in Sweden, *Geoforum*, 79, 58-69.
- Khandan, M., & Sobhani, N. (2011). An Analysis of Periphery Status and Its Challenges in the Integrated Management of Tehran Metropolis Vicinity, Urban and Regional Development Planning, 3(4), 1-34. [In Persian]
- <https://doi.org/10.22054/urdp.2019.54.4.1128>
- Khorasani, M. A. (2017). Pathological Study of Rural Management in the Periphery of Metropolises. Management Studies and Planning Deputy, Social and Economic Affairs of Area Studies and Planning Management, *Tehran Urban Studies and Planning Center*, 1-40. [In Persian]
- Khosravipour, Kh., & Teimouri Kouhsar, Z. (2022). The Role of Good Governance in Rural Management,

- Journal of Elites and Engineering Sciences*, 7(6). [In Persian]
- Kontgis, C., Schneider, A., Fox, J., Saksena, S., Spencer, H. J., & Castrence M. (2014). Monitoring peri-urbanization in the greater Ho Chi Minh City metropolitan area. *Applied Geography*, 53, 377-388.
- Lahmian, R., & Nabizadeh, Z. (2019). The Role of Uneven Spatial-Physical Development on Urban Instability (Case Study: Sarkhrood City). *Scientific-Research Journal of Physical Development Planning*, 4(4), 121-132. [In Persian]
- McGregor, D., Simon, D., & Donald, T. (2006). *the Peri-Urban Interface: Approaches to Sustainable Natural and Human Resource Use*, Published December 1, 2005 by Routledge.
- Mokhtari Kerchгани, A., Tavakoli, M., & Pourtaheri, M. (2024). New Paradigm of Endogenous Rural Development: A Thematic Analysis, *Rural Studies*, 15(2), 208-225. [In Persian]
- Momeni, F., Yousefi, M. G., & Mobarak, A. (2009). Investigating the Determinants of Productivity Growth and Poverty in Rural Areas of Iran. [In Persian]
- Mousavi, M., et al. (2019). Performance Analysis of New Rural Management with Good Governance Approach (Case Study: Dehyaris of Central District, Eyvan County), *Quarterly Journal of Entrepreneurial Research Approaches in Agriculture, Khuzestan Agricultural Sciences and Natural Resources University*, (6), 49-70. [In Persian]
- Norouzi, A., & Gholamian, H. (2019). Causes of Rural Management Inefficiency from the Perspective of Local People in Saman County, *Journal of Geography*, 17(63), 196-215. [In Persian]
- Parishan, M., et al. (2023). Presenting an Optimal Model for Managing the Metropolitan Periphery of Tehran, *Journal of Physical Development Planning*, 8(2), [In Persian]
- Rahbari, M. (2019). Sustainable Development Management Model for Rural Settlements (Case Study: Semnan Province). (Ph.D. Dissertation). Supervisor: Naser Shafieisabet, Shahid Beheshti University, Tehran. [In Persian]
- Ravetz, J., & Mehehub, S. (2025). Where is the peri-urban? Mapping the areas 'around, beyond and between', *Frontiers in Sustainable Cities*, Vol 7:1436287. <https://doi.org/10.3389/frsc.2025.1436287>
- Riyahi, V., & Masoumi, M. (2020). Challenges of Rural Management and Its Role in the Underdevelopment of Peri-Urban Villages (Case of Shiraz), *Journal of Peri-Urban Spatial Development*, 2(1), 65-84. [In Persian]
- Riyahi, V., Afrakhteh, H., & Salehpour, S. (2020). Factors Affecting the Inefficiency of the Country Divisions System at the Local Level (Case Study: Urmia County), *Quarterly Journal of Geopolitics*, 16(3), 119-147. [In Persian]
- Rohollahi, E. (2012). The Role of Rural Management in the Spatial-Physical Structure of Villages (Case Study: Lavandavil Rural District, Astara County). Master's Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Department of Geography, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. [In Persian]
- Saeedi, A., Jandaghian Bidgoli, S. R., & Ali Akbar. (2015). Structural-Functional Dynamics in Regional Studies, Case: Comparative Study of Aran-Bidgol (Kashan) and Raz-Jargan (Bojnourd) Regions, *Journal of Geography*, 13(44). [In Persian]
- Shabestar, M. (2017). Pathological Study and Presenting a Model for Management and Supervision of Tehran Metropolis Periphery. (M.A.

- Thesis). Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
- Shafieisabet, N., Rahmani, B., & Rahbari, M. (2020). Rural Management Approach and Spatial Transformations of Rural Settlements (Case Study: Semnan Province), *Journal of Geographical Spatial Planning*, 10(35), 257-280. [In Persian]
- Shahidasht, G. R., Sarvar, R., & Modiri, M. (2022). Evaluation of Various Fragmentations and Their Impact on Integrated Management of Mashhad Metropolis Periphery, *Quarterly Journal of Mountainous Regions Geographical Studies*, 3(1), 179-198. [In Persian]
- Sheikhi, M., & Shabestar, M. (2018). Pathological Study of Integrated Management of Tehran Metropolis Periphery, *Quarterly Journal of Urban and Regional Development Planning*, 3. [In Persian]
- Upadhyay, A., & Kumbharana, C.K. (2012). Comprehensive Knowledge Management Framework for Strengthening Sustainable e-Governance: Various Sectors of Rural India, *Productivity*, 53 (3).
- Vandecasteele et al. (2019). The Future of Cities, OPPORTUNITIES, CHALLENGES AND THE WAY FORWARD, Publications Office of the European Union.
- Visser, O., & Spoor, M., (2011). Land grabbing in post-Soviet Eurasia: the world's largest agricultural land reserves at stake, *Journal of Peasant Studies*, 38 (2), 299- 323.
- Walker, D. (2002). Decision support learning and rural resource management. *Agricultural Systems*, 73(1), 113-127. [https://doi.org/10.1016/S0308-521X\(01\)00103-2](https://doi.org/10.1016/S0308-521X(01)00103-2)
- Wang, X., Geng, M., & Tang, X. (2025). Unbalanced rural development in underdeveloped areas: rurality and human settlements. *Front. Sustain. Food Syst.* 8:1518683. <https://doi.org/10.3389/fsufs.2024.1518683>
- Zhao, Z., Stough, R.R., & Li, N., (2003). Note on the Measurement of Spatial Imbalance, *Geographical Analysis*, 35(2), 170- 176.